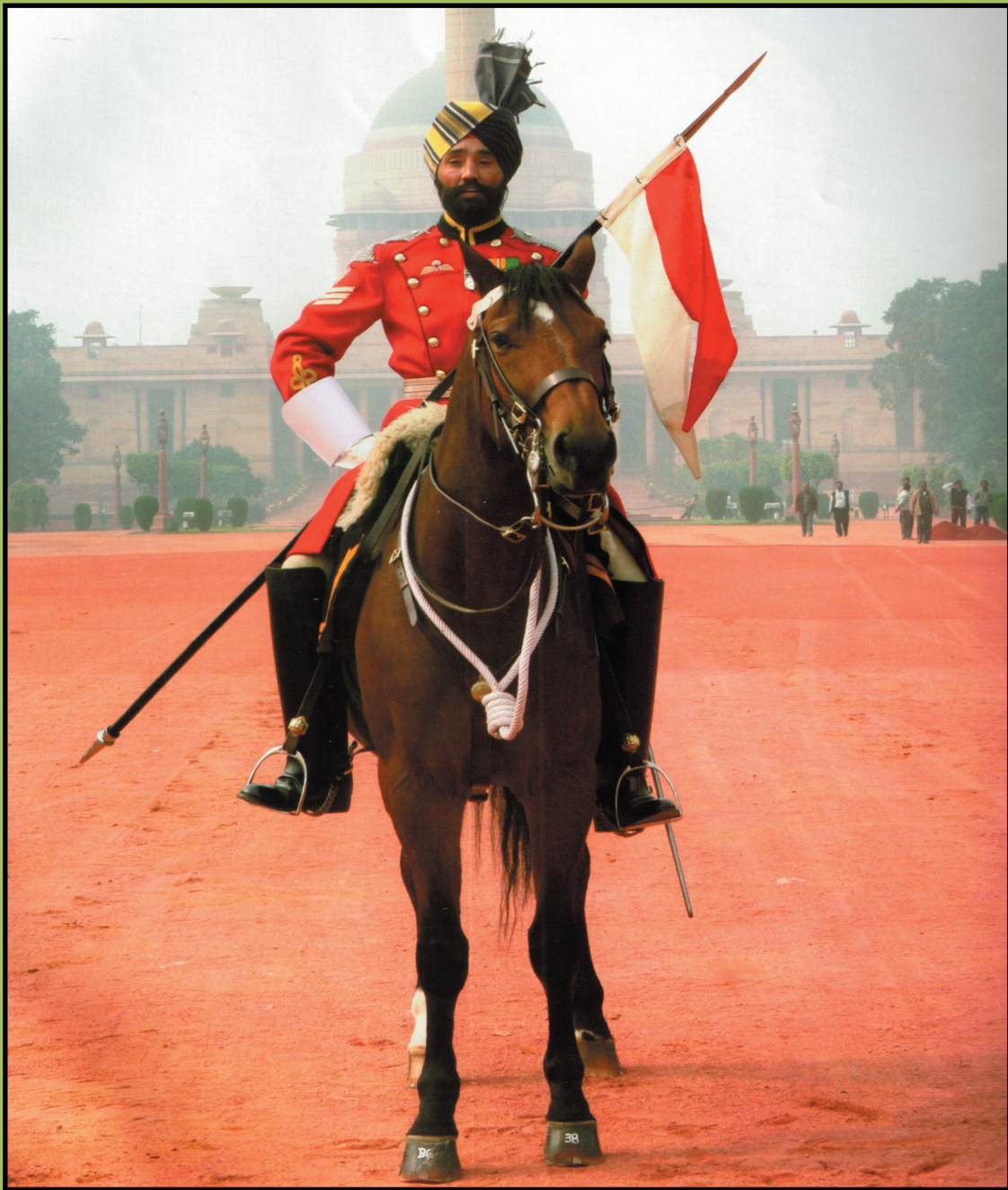


آئینہٴ ہند

نشریہ دوماہانہ بخش مطبوعاتی - فرهنگی سفارت ہند (تہران)

شماره سی و یکم، دسامبر ۲۰۰۹ م.، آذر ۱۳۸۸ ش.



مدرسه سفارت هند - تهران

(یک مدرسه بین المللی عالی)

نکات برجسته:

- پیش دبستانی تا کلاس دوازدهم
- تمام درس ها به زبان انگلیسی تدریس می شود
- آموزش با کیفیت عالی با تأکید بر رشد شخصیتی منسجم
- گروه معلمان و دبیران بسیار ماهر و متعهد
- آزمایشگاه های کاملاً مجهز
- کامپیوتر با دسترسی به اینترنت
- فعالیتهای ورزشی (داخل سالن و هوای آزاد)
- آمفی تئاتر چند منظوره
- سرگرمی های همزمان برای عرضه و بهبود بخشیدن استعدادها
- وابسته به هیئت مرکزی آموزش متوسطه (Central Board of Education)، دهلی نو
- تسهیلات ایاب و ذهاب از تمام نقاط شهر
- چند ملیتی به معنای واقعی (شاگردان بیش از ده کشور مشغول تحصیل هستند)
- تشویق نوآوری، ابتکار و خلاقیت
- القا و آموزش ارزش سکولار و انسانی
- بوفه با خوراکی های بهداشتی

رئیس مدرسه : آقای یشپال سینگ (Mr. Yashpal Singh)

تلفن: ۰۰۹۸-۲۱-۷۷۵۳۴۶۴۰

دورنگار : ۰۰۹۸-۲۱-۷۷۵۲۰۲۴۲

نشانه الکترونیکی : kvtehran@yahoo.com

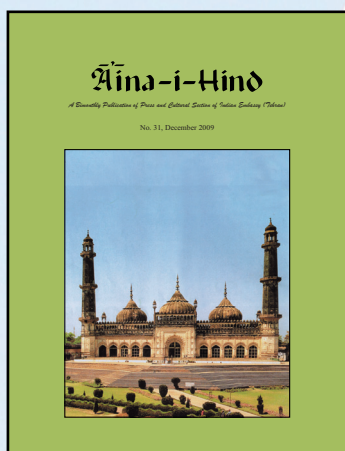
آئینه هند (نشریه بخش مطبوعاتی - فرهنگی سفارت هند - تهران)

شماره سی و یکم، دسامبر ۲۰۰۹ م، آذر ۱۳۸۸ ش.

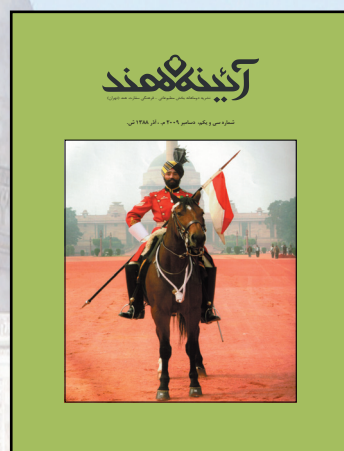
تیراژ : ۱۰۰۰ جلد

مترجم و ویراستار : سید عبدالقادر هاشمی

مدیر مسؤول : مریدو پاون داس (دبیر دوم)
(Mridu Pawan Das)



بِرا امامباره (امامباره بزرگ) در لکهنؤ



یکی از محافظان رئیس جمهور

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۲	محافظان رئیس جمهور - آن منظره ی با شکوه.../ پی. کی. دی (P.K. De)
۶	لکهنؤ برای هر کس چیزی دارد/ آنیل مهروترا (Anil Mehrotra)
۹	"میعاد با سرنوشت" / سخنرانی جواهر لعل نهرو در آستانه استقلال هند
۱۲	نفوذ و اثر گذاری مولوی بر متفکران جهان.../ دکتر رضا مصطفوی سبزواری
۲۱	تحقق یک رؤیا/ پراکاش نندا (Prakash Nanda)
۲۵	غارهای کنهیری - میراث غنی بودایی/ متن و عکس: راجیش کی. سینگ (Rajesh K. Singh) مترجم: مریم حسینی متقاعد
۳۲	اشوک کومار - غول سینمای هند/ بی. ام. ملهوترا (B.M. Malhotra)
۳۸	با قدم زدن در ابرها ولینگتون و کونور را کشف کنید/ متن: ایلیکا چکراورتی (Ilika Chakravarti) و عکس ها: پهل اس. گیروتا (Phal S. Girota)
۴۱	فراخوان سلسله کوه های هیمالیا/ مندپ سینگ سوین (Mandip Singh Soin)

خوانندگان عزیز و گرامی! ما از انتقادات و پیشنهادات شما استقبال می کنیم و از شما دعوت می کنیم که مقالات و نوشته های خود را راجع به

روابط فرهنگی، اقتصادی و سیاسی ایران و هند (به صورت افتخاری) برای انتشار در این مجله ارسال نمایید.

نشانی ما عبارت است از : تهران - خیابان میرعماد - شماره ۴۶ یا تهران صندوق پستی شماره ۴۱۱۸-۱۵۸۷۵

نشانی الکترونیکی : indemteh@dpimail.net - دورنگار : ۸۸۷۵۵۹۷۳ - ۸۸۷۴۵۵۵۷

علاقه مندان به این مجله می توانند با نشانی مجله مکاتبه نمایند تا برای آنها به طور رایگان ارسال گردد.

محافظان رئیس جمهور

آن منظره با شکوه...

نویسنده: پی.کی.دی (P.K. De)

در مراسم تشریفاتی، رئیس جمهور هند به وسیله یک گروه منتخب سربازان تراز اول همراهی می شود- ۱۴۵ سواران سرزنده و خوش لباس- که هر کدام شان از خانواده هایی برگزیده شده اند که سابقه طولانی و با شکوه خدمت نظامی را دارند. آنها با هم ارشدترین یکان ارتش هند را تشکیل می دهند و محافظان رئیس جمهور خوانده می شوند.

یکان محافظان که حدود دویست و سی سال پیش توسط فرماندار کل انگلیسی آن زمان وارن هستینگز (Warren Hastings) تشکیل شد در سرتاسر تاریخ پرفراز و نشیب خود سابقه تحسین برانگیز خدمات جنگی در هند و خارج را حفظ کرد. این یکان هم اکنون منظره بسیار عالی رنگ ها و مراسم با شکوه را در تمام جشن های رسمی تقدیم می کند.

با مرور زمان ترکیب محافظان به خاطر نیازهای مختلف تغییر کرده است و امروزه خدمت در یکان محافظان رئیس جمهور الزاماً موروثی است و سربازی که کمتر از شش پا (۱۸۰ سانتی متر) قد داشته باشد نمی تواند شامل این یکان شود. محافظان ریاست جمهوری یکانی نخبه و برگزیده است چون هم به عنوان نیروی زرهی و هم سواره نظام تشریفاتی تربیت ویژه می بیند. برای مواقع تشریفاتی اسب هایش همگی از نژادهای هندی و به رنگ خرمائی بدون هیچ لکه سفید









هستند و قد آنها به طور متوسط بیش از پانزده دست (وجب) می باشد. یکان محافظان ریاست جمهوری دارای دو امتیاز منحصر به فرد است که عبارتند از: اسبهای دارای یال اند-امتیازی که تنها سواره نظام گارد سلطنتی ارتش بریتانیا دارد- دیگر این که این تنها یکان ارتش هند است که افتخار حمل ترومپت نقره ای ریاست جمهوری را دارد. در مواقع تشریفاتی یکان محافظان ریاست جمهور با لباس قرمز روشن و فراک زردوزی شده، عمامه های تشریفاتی، چکمه های نظامی ناپلئونی و یراق و نشان هایش متمایز می گردد. در تابستان فرنج های سفید جای فراک های قرمز روشن می گیرد. هر مردی با افتخار نشان های زردوزی شده یک چتر باز تربیت یافته را با خود دارد. هنگامی که محافظان سوار بر اسب هستند نیزه سنتی خیزران سواره نظام را حمل می کنند که بر سر آن پرچم سه گوش سفید و قرمز در اهتزاز است.

از سال ۱۹۴۷ میلادی وظیفه اصلی یکان محافظان ریاست جمهوری تنها-به عنوان سربازان شخصی راشترپتی=Rashtrapati (رئیس جمهور هند)- تشریفاتی بوده است. در هر حال همه افسران و سربازان، جنگجویان فعالی هستند و آماده برای انجام عملیات در هر جایی و در هر زمانی.

♦ نویسنده این مطلب مقاله نویسی دائمی مجله انگلیسی India Perspectives است و این مطلب در شماره ماه ژوئن ۲۰۰۳م. انتشار یافته است.

لکهنؤ برای هر کس چیزی دارد

متن: انیل مهروترا (Anil Mehrotra)

آشپزی لکهنوی را با تکامل به نقطه ای از هنر زیبا می رساندند گرفته تا قهوه خانه های امروزی و آرایشگاه ها ترسیم می کند.

احتمالاً لکهنؤ به غیر از کلکته، تنها شهر در هند است که کتاب های بسیاری درباره آن نوشته شده است. همانگونه که شهر چند وجهی - برای هر کس - تاریخ نویس، هنرمند، عکاس، مردم شناس اجتماعی چیزی دارد، این کتاب، با هنرهای تجسمی اش توسط راوی کاپور (Ravi Kapoor) و متن واضح و روشن اش، شما را اغوا می کند تا عاشق این شهر بشوید.

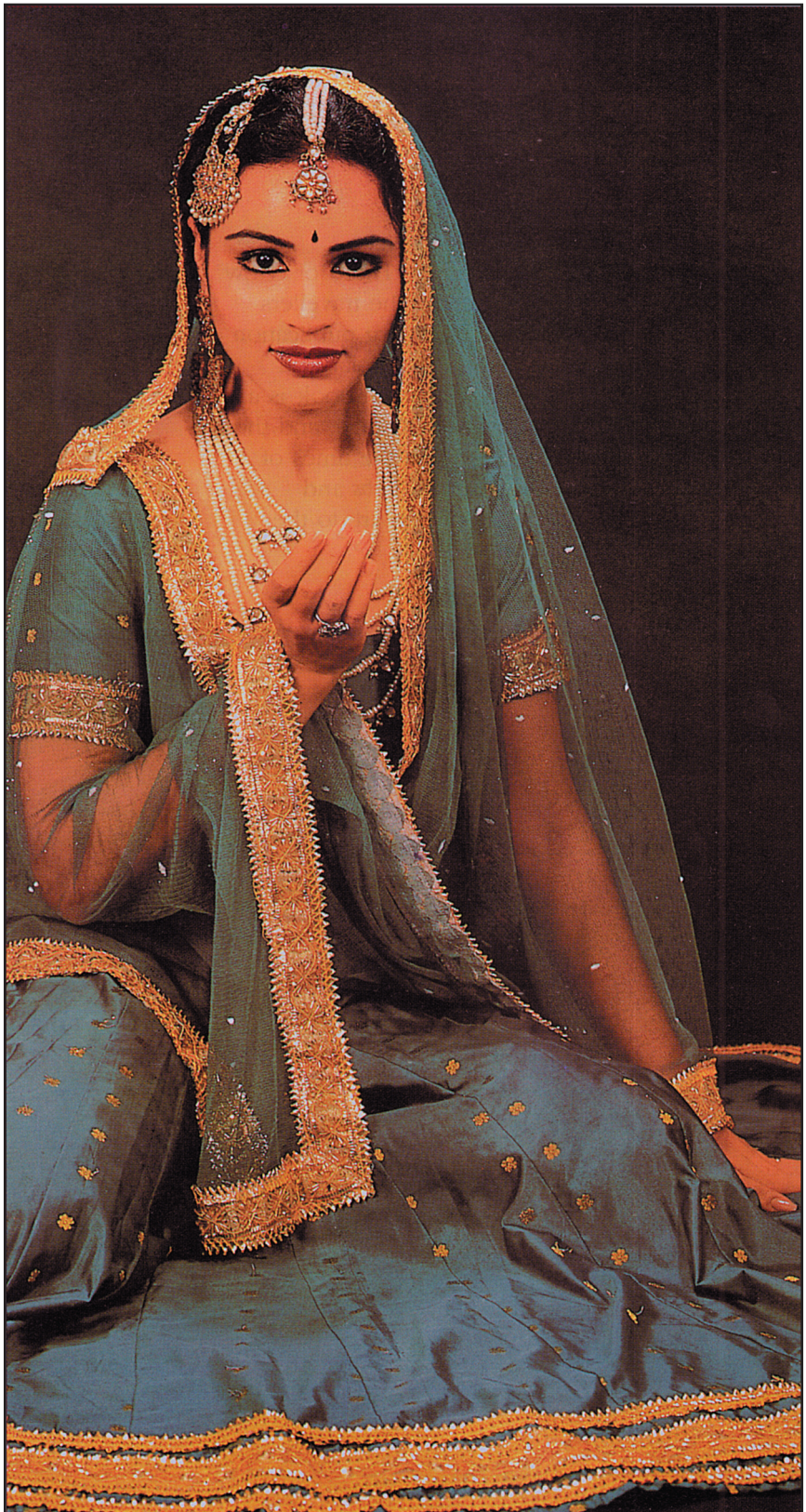
مروری بر "گذشته" و "امروز" شهر لکهنؤ همیشه تجربه ای جذاب برای مسافران در تمام دوره ها بوده است و این دقیقاً همان چیزی است که این کتاب از انتشارات مارگ (Marg) راجع به آن است. خانم رُزی لیویلین جونز (Rosie Llewelyn Jones)، محقق معروف و کارشناس سرشناس راجع به لکهنؤ این کتاب را ویرایش کرده است و این کتاب بسیار مصور شهر فرنگی است از دیدنی ها و رنگ و بوها، هنر، فرهنگ و میراث و زندگی درون و اطراف شهر. گذر از دوران جنگ خروسها و پتنگ بازی (patangbaazi) = بادبادک هوا کردن را ترسیم می کند و از هنگامیکه کباب ها و



برخی از آنها برای لکهنوی های طرفدار آداب و سنن قدیمی هم ناشناخته است، خواندن این کتاب را لذت بخش می سازد. از اول تا آخر تلاش بر این بوده است تا حقایق کمتر شناخته شده ی زندگی و تاریخ لکهنؤ را نشان بدهد.

"اگر چه بسیاری از مردم معتقدند که بهترین دوره ی لکهنؤ در عهد نواب ها بود ... گردآورنده در این کتاب می گوید " اما لکهنؤ پیش از نواب ها با بناهای مغولی در کنار رودخانه، شهری پر رونق بود". و اینکه " تحت حکومت نواب ها بود که این شهر با تجمل، هنرهای بدیع و حمایت هنرمندان و ساخت بناهای فوق العاده مترادف گشت . . . " هنگامیکه آدم با شهری بسیار رابطه برقرار می کند همانطورکه نویسنده به راستی ارتباط برقرار کرده است، آدم ناچار است که هجوم نوگرایی را احساس کند که لکهنؤ را نیز تحت تأثیر قرار داده است. در هر صورت او امیدش را از دست نداده است و احساس می کند که شهر با این وجود دوباره در مرحله گذر است و شکوه و ثروت و رفاه دورانی را که قبلاً از دست داده است دوباره بدست خواهد آورد.

این کتاب خوانندگان را به بازارهای اغذیه و خوراکی می برد و به یاد خاطرات تنوع بی شمار انبه هایش می اندازد- پوست برخی از آنها به حدی ظریف است که شما می توانید آب میوه ای را که در داخل آنها جریان دارد ببینید! آدم با گشتن در میان خیابانهای لکهنؤ به وضوح می تواند بوی کباب ها، پراتاها [۱]، نمیش [۲]، چات [۳]، ملائی [۴]، پان [۵] و بریانی [۶] را استشمام کند. مقاله نیتا پاس تاریخ نویس معماری تحت عنوان « امام باره ها و کربلاهای لکهنؤ » (Lucknow's Imambaras and



این کتاب به سه بخش تقسیم شده است. هر یک میراث غنی لکهنؤ را به نمایش می گذارد. بنابراین ما "شهری سرزنده"، "انجمن های مذهبی و غیر مذهبی" و "هنرهای تجسمی" اش را داریم که هر یک لذتی بصری فراهم می کند. حقایقی شگفت انگیز که حتی



زردوزی زیبا ولی کمتر شناخته شده نیز به طور مناسبی نام شان در این کتاب برده شده است. مقاله ها درباره هنرهای تجسمی، نقاشی و عکاسی در قرن نوزدهم لکهنؤ برای خواندن جالب هستند، زیرا بهترین عکسها و نقاشی های گلچین شده از مجموعه داران شخصی را دارد.

"لکهنؤ: در گذشته و امروز" Lucknow: Then and Now
به کوشش (خانم) رُزی لیویلین-جونز با عکسهایی از راوی کاپور؛
انتشارات مارگ، ممبئی، قیمت ۶۶ دلار آمریکا.

◆ منتقد، مؤلف مشهور مستقلی است.

● منبع: مجله انگلیسی India Perspectives، می ۲۰۰۴ م.

عکسها: در این بررسی از کتاب "Lucknow Then and Now"
برگرفته شده است.

(Karbala) معماری پیچیده امام باره ها و مراسم مذهبی محرم لکهنؤ در کربلاها و شیوه زندگی شیعی را نقل می کند. عکسهای نفس گیر شکوه معماری امام باره ها، خواننده را به دورانی می برد که آنها ساخته شدند.

مقاله "سفری از میان مدارس و دانشگاه های لکهنؤ" تألیف ایان شپرد (Ian Shepherd)، یادآور گذشته است. زیرا شما را به مسیر خاطره انگیزی درباره آموزش "در آن زمان و زمان حال" و به ویژه کالج های ایزابلا توبورن (Isabella Thoburn) و لامارتینییه (la Martiniere) می برد.

این کتاب هم چنین، منشاء هنر چکن کاری [چکن کاری یا چکن دوزی نوعی سوزن کاری یا بخیه دوزی است برای ایجاد گل و بته در پارچه] را از ملکه نورجهان می داند؛ آدم نیازی به معرفی این هنر ندارد زیرا لکهنؤ مترادف با آن است.

صنایع دستی کامدانی [کار گلدوزی با تارهای سیم و زر] و

۴. برگ تنبول با مخلفات آن
۵. نوعی پلوی خوش طعم با گوشت

۱. نوعی نان نرم و لذیذ روغنی
۲. نوعی خوراکی برگرفته از شیر خام
۳. نوعی خوراکی که مخلوطی از میوه های مختلف با ادویه است و یا مخلوطی از خوراکی های مختلف

معیاد با سرنوشت

سخنرانی نخست وزیر هند آزاد، پاندیت جواهر لعل نهرو در مجلس مؤسسان در دهلی نو در ۱۴ اوت سال ۱۹۴۷ ساعاتی پیش از دستیابی به استقلال هند.

سال‌ها پیش معیادی با تقدیر بستیم و حالا زمانی است که ما باید به عهد خودمان نه به طور کلی یا به اندازه ای کامل بلکه بسیار قابل توجه وفا کنیم. هند با ضربه نیمه شب ساعت، هنگامی که دنیا می‌خوابد، برای زندگی و آزادی بیدار خواهد شد. لحظه ای می‌رسد که به ندرت در تاریخ اتفاق می‌افتد، هنگامی که ما از دنیای قدیم به دنیای جدید گام بر می‌داریم، زمانی که عصری به انتها می‌رسد و هنگامی که روح ملتی که برای مدتی طولانی سرکوب شده بود، قادر به بیان می‌شود.

به جا است که ما در این لحظه با ابهت پیمان ببندیم که وقف خدمت به هند و مردمش و آرمان بزرگتر بشری باشیم.

هند در سحرگاه تاریخ به جست و جوی بی‌پایانش پرداخت و قرنهای بی‌شمار با مبارزه و تلاش و شکوه موفقیت‌ها و شکست‌هایش لبریز است.

او (هند) به خاطر خوش اقبالی یا بد اقبالی هیچگاه از جست و جو غفلت نکرد یا آرمان‌هایی را که به او نیرو و قدرت می‌بخشید از یاد نبرد. امروز ما دوران بد اقبالی را به پایان می‌رسانیم و هند مجدداً خودش را پیدا می‌کند و موفقیتی که ما امروز جشن می‌گیریم چیزی جز یک گام، شروع فرصتی برای پیروزی‌ها و دستاوردهایی بزرگتر نیست که منتظر ما هستند.

آیا ما به اندازه کافی شجاع و عاقل هستیم تا این فرصت را غنیمت شمیریم و مبارزه طلبی آینده را بپذیریم؟

قدرت و آزادی مسؤولیت به وجود می آورد. مسؤولیتی که بر عهده این مجلس است، مجلس مستقلى که نماینده مردم مستقل هند است. پیش از پیدایش آزادی، همه رنج های مشقت و سختی را تحمل کرده ایم و قلبهایمان با یاد و خاطره ی این غم افسرده است. برخی از آن رنج ها حتی حالا هم ادامه دارد. با این وجود، گذشته، گذشته است و آینده است که اکنون ما را به سوی خود جلب می کند.

آن آینده، آینده ای راحت و استراحت نیست بلکه آینده تلاش و مبارزه ی بی وقفه است تا بتوانیم به قول هایی که اغلب اوقات داده ایم و یکی از آنها را ما امروز بدست خواهیم آورد، خدمت به هند به معنای خدمت به میلیون ها نفری است که رنج می برند. به معنای پایان فقر و محرومیت و بیماری و نابرابری فرصت هاست. آرزوی بزرگترین مرد نسل ما زدودن اشک از هر چشمی بوده است که ممکن است از عهده ی ما خارج باشد، اما تا زمانی که اشک ها و رنج ها وجود دارد، کار ما تمام نخواهد شد.

و بنابراین ما باید زحمت بکشیم و کار کنیم و به سختی تلاش کنیم، تا به رؤیاهایمان تحقق بخشیم. آن رؤیاهایمان برای هند هستند اما برای جهان و تمامی ملل هستند و مردم امروزه به هم وصل هستند و برای هیچ یک از آنها نمی توان تصور کرد که می تواند جداگانه زندگی کند. گفته اند که صلح جدایی ناپذیر است و آزادی هم چنین است و امروزه رفاه و آسایش هم همین طور است و بلا و مصیبت نیز در این دنیای واحد جدایی ناپذیر است به طوری که دیگر نمی توان آن را به بخش هایی مجزا تقسیم کرد.

از مردم هند که ما نمایندگان هستیم تقاضا می کنیم که با ایمان و اطمینان در این کار بزرگ به ما بپیوندند. اکنون وقت آن نیست که انتقادهای بیهوده و مخرب به عمل آید. زمان خصومت با دیگران و

سرزنش دیگران نیست. ما باید خانه شکوهمند هند آزاد را بسازیم جاییکه همه فرزندانش بتوانند زندگی کنند.

آقا، من اجازه می خواهم پیشنهاد کنم.

" که باید تصویب شود که :

(۱) بعد از آخرین ضربه نیمه شب، همه اعضای مجلس مؤسسان حاضر در این متعهد شوند که:

در این لحظه موقر هنگامی که مردم هند، با رنج و از خود گذشتگی، آزادی را به دست آورده اند، من،...، عضو مجلس مؤسسان هند، خودم را با همه تواضع وقف خدمت به هند و مردمش می کنم به این منظور که این سرزمین باستانی جایگاه حقیقی اش را در دنیا بدست آورد و برای به وجود آوردن صلح جهانی و رفاه بشر کمکی کامل و مشتاقانه کند؛

(۲) اعضای که در این موقع حاضر نیستند در جلسه بعدی مجلس مؤسسان که آنها شرکت می کنند (با چنین تغییرات کلامی که رئیس مجلس مؤسسان توصیه می کند) این تعهد را بکنند.

● منبع: سخنرانی جواهر لعل نهرو، جلد اول، ۱۹۴۹-۱۹۴۶، بخش انتشارات، وزارت اطلاعات و

سخن پراکنی، دولت هند.

نفوذ و اثرگذاری مولوی بر متفکران جهان بویژه

اندیشمندان شبه قاره

دکتر رضا مصطفوی سبزواری (استاد دانشگاه علامه طباطبایی)

نردبان آسمان است این کلام

هر که از این بر رود آید به نام

نه به بام چرخ کان اخضر بود

بل به بامی کز فلک برتر بود^۱

گزیده مقاله:

اندیشه‌های والا و تابناک مولوی از درخشانترین تجلیات معنویت و روحانیت در مشرق زمین به مفهوم راستین و اصیل آنست و همین معنویت اصیل است که در جهان امروز که ماده‌پرستی از هر سویی بشریت را تهدید می‌کند، اهمیت فوق‌العاده‌ای یافته است و در حقیقت ذوق زاید الوصف و اندیشه‌های بلند و آسمانی و روح عمیق و عرفانی‌اش به اطراف و اکناف جهان، بزرگترین گنجینه بی‌نظیر و ارمغان ارزنده‌ای بوده که امکان دارد ملتی به فرهنگ و ادب و تمدن جهان اهدا کرده باشد؛ تا آنجا که فروغ تابناک معنویت او در سرزمینهای دور و نزدیک مشرق زمین از افکار شاعر و متفکر بلند آوازه شبه قاره یعنی علامه اقبال گرفته تا پروفیسور نیکلسون دانشمند شهیر انگلستان و مصحح و شارح مثنوی مولوی در غرب همه را تحت تأثیر اندیشه‌های بلند و انسان ساز خود قرار داده است.

نگارنده در این مقاله کوشیده است تا گوشه‌ها و نمونه‌هایی از این تأثیرات شگرف مولانا را بر دانشمندان جهان و بویژه ادیبان و عارفان شبه قاره نشان دهد.

کلیدواژه‌ها: نفوذ. اثرگذاری. مولوی. متفکران جهان. شرحهای مثنوی

بی‌شک جلال‌الدین محمد بن حسین بلخی رومی (۶۷۲-۶۰۴ هـ. ق) یکی از پراثرترین و بزرگترین و اندیشمندترین و نافذالکلام‌ترین شاعران عارف ایرانی است. اما یکی دیگر از ویژگیهای او تأثیرگذاری او بر دیگر متفکران و اندیشمندان جهان است که بر سیر جریانهای فکری پس از خود تأثیر داشته و حتی تا زمان معاصر ادامه یافته است.

کلام دلنشین و سبک گفتار مولانا چه در بیان حقایق عرفانی و چه در نقل لطیف داستانهای دل‌انگیزش در مثنوی و چه در زبان نرم و روانش در غزلیات شمس، چندان اثرگذار بوده که در فرهنگ و ادب و اندیشه‌های سایر ملتها نیز جایگاهی رفیع یافته است و شاید بتوان گفت در میان شاعران عارف ادب پارسی بیشترین تأثیر را بر روی دیگر متفکران جهان داشته است.

اندیشه‌های والا و تابناک مولوی از درخشانترین تجلیات معنویت و روحانیت در مشرق زمین به مفهوم راستین و اصیل آنست و همین معنویت اصیل است که در جهان امروز که ماده‌پرستی از هر سوی بشریت را تهدید می‌کند، اهمیت فوق‌العاده‌ای یافته است. و در حقیقت انتقال ذوق زاید الوصف مولانا و اندیشه‌های بلند و آسمانی و روح عمیق و عرفانی‌اش به اطراف و اکناف جهان بزرگترین گنجینه بی‌نظیر و ارمغانی ارزنده بوده که امکان دارد ملتی به فرهنگ و ادب و تمدن جهان اهدا کرده باشد تا آنجا که فروغ تابناک معنویت او در مشرق زمین از اندیشه‌های شاعر و ادیب بلند آوازه شرق یعنی علامه اقبال لاهوری گرفته تا پروفیسور نیکلسون ادیب و دانشمند شهیر انگلستان در غرب، همه را تحت تأثیر افکار عالی خود قرار داده است.

ادوارد براون، مستشرق بلند آوازه انگلیسی می‌گوید: «جلال‌الدین رومی بدون تردید بزرگترین شاعر عارف است که ایران به وجود آورده است و کتاب مثنوی او را باید یکی از آثار شعری بزرگ کلیه اعصار تاریخی به شمار آورد»^۲

آربری، مستشرق شهیر دیگر انگلیسی می‌نویسد: «جهان مغرب زمین کم‌کم قدرت نبوغ مولای روم را درک می‌کند و از پرتو همت عالی دانشمند فقیدی^۳ مولوی منبع الهام و مایه سرور صاحب نظران اروپا خواهد گردید و مقام او البته به پایه‌ای خواهد رسید که هیچ شاعری تاکنون در ادبیات جهان بدان حد نرسیده است.»^۴

هرمان اِته، مستشرق آلمانی مولوی را بزرگترین نویسنده وحدت وجودی در تمام قرون^۵ می‌داند او همچنین درباره مثنوی می‌گوید: «کتاب کبیر مثنوی کتاب اساسی صوفیه مملو است از اندیشه‌های بلند و مشحون است به لطایف شعری در اولین درجه حسن که در زبانی بکلی سهل و ساده و بدون تکلف و تصنعی ترقیم یافته است»^۶

برگسون، فیلسوف مشهور فرانسوی (متوفی ۱۳۴۱ ش.) استاد دانشگاه سوربن فرانسه گفته: «مولوی رومی یکی از بزرگترین حکمای ایران و مثنوی او یکی از مهمترین کتابهایی است که نوع بشر تاکنون از خود بیادگار گذاشته است»^۷

علامه شبلی نعمانی اهمیت مقام مولانا را چندان والا می‌داند که می‌گوید: «ما در شرح حالات مولانای روم کتابی جداگانه نوشته شرح مبسوطی در آنجا در اطراف شعر و شاعری او نگاشته‌ایم (ج ۵ ص ۱۱۸)

مولوی در میان اقوام بسیاری از کشورهای جهان و بویژه در قلمرو فرهنگ ایرانی، هندی، عربی، ترکی چندان ریشه دوانیده و چندان تأثیر عمیق و ریشه‌داری داشته که هیچ شاعر و عارفی در درازای زمان نداشته است. شهرت عالمگیر مولوی از شرقی‌ترین نقطه هندوستان تا آفریقای شمالی و از ترکیه تا عربستان را فرا می‌گیرد. نخستین و مهمترین شرحها بر مثنوی او در کشور ترکیه که آرامگاهش هم همانجاست، تألیف گردیده که یکی از آنها شرح و تفسیر دوهزار و پانصد صفحه‌ای «جواهر بواهر مثنوی» وسیله عبدالله افندی است که در سال ۱۰۶۳ ه. ق. نوشته شده است. دیگر تفسیر شش جلدی عابدین پاشا حاکم آنقره در سال ۱۳۰۰ ه. ق. است که در سه هزار صفحه تألیف گردیده

همچنین تفسیر روح‌المثنوی از شیخ اسماعیل فقی در سال ۱۱۳۷ هـ. ق یکی دیگر از تفسیرهای مثنوی تألیف یافته در ترکیه است.

اندیشه‌های انسان ساز مولوی در فرهنگ و ادب عربی نیز تأثیر گذاشته و شرح و تفسیرهایی به زبان عربی از مثنوی معنوی تألیف گردیده که می‌توان به عنوان نمونه المنهاج القوی لطلاب المثنوی تألیف شیخ یوسف بن احمد الموسوی را یاد کرد.

علاوه بر ترجمه کامل و شرحها و تفسیرهای ارزشمند مثنوی به زبانهای اروپایی، شاعرانی همچون گوته آلمانی و امرسن آمریکایی و یا آندره ژید، فیتسجرالد و بارس نیز اشعار مولوی را به زبانهای خود ترجمه کرده و انتشار داده‌اند.

اما نفوذ و اثرگذاری مولانا جلال‌الدین در شبه قاره هند و پاکستان بسیار بیشتر بوده که از آن جمله شرحهای زیر را می‌توان به عنوان نمونه یاد کرد.^۸

شرح مثنوی محمدبن نظام الدین در سال ۱۲۲۵ هـ. ق در شهر لکنهو- تفسیر مثنوی محمد عبدالعلی بحر العلوم در سال ۱۲۹۳ هـ. ق در شهر لکنهو- شرح مثنوی والی محمد در سال ۱۸۹۴ نیز در شهر لکنهو - جواهر لالی یا فراید مثنوی یا جواهر مولوی و لالی مثنوی از زین‌الدین ابوبکر چاچی (شاشی) از سده ۹ و ۱۰ که در شصت و سه باب تنظیم گردیده و نسخه آن به شماره ۱۴۷۹ خط نستعلیق زیبا در کتابخانه گنج بخش مرکز تحقیقات ایران و پاکستان در اسلام آباد وجود دارد. مفتاح التوحید در یک مقدمه و ۷۸ باب از درویش محمدبن دوست محمد بخارایی که از خادمان خواجه عیبالله احرار بوده در ذیحجه ۹۰۹ هـ. ق (۱۵۰۴ م) تألیف گردیده و سه نسخه خطی آن به شماره‌های ۵۸۷۴ و ۷۶۰۳ و ۱۸۷۴ در کتابخانه گنج بخش مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان در شهر اسلام آباد نگهداری می‌شود.

اثرگذاری و نفوذ کلام مولوی در مردمان و نیز فرهنگ شبه قاره چندان زیاد بوده که سالها مثنوی و دیوان کبیر او مورد استقبال و مذاقه و درس و بحث مردمان فرهنگ دوست آن سامان بوده که وجود نسخه‌های خطی متعدد از آثار او در شهرها و کتابخانه‌های شهرهای مختلف آن دیار مانند: لاهور، کویته، اسلام‌آباد، پیشاور، کراچی، ملتان، شیخوپوره، شکارپور، اوچ، حیدرآباد، کمیل پور، اتک، راول پندی، خیرپور، فیصل آباد، جهلم، بهاولنگر، رحیم یارخان، صادق آباد، سرگودها، خوشاب، اکبرپور، گجرات، میانوالی، گوجرانواله، دیره اسماعیل خان، بنون، سنده، تعلق آباد، دهلی‌نو، لکنهو، احمدآباد، علیگرو دیگر شهرهای شبه‌قاره هند و پاکستان و نیز بنگلادش پس از سالها گذشت زمان که از زمان سرودن آنها می‌گذرد، بهترین دلیل این مدعاست (ر.ک فهرست نسخه‌های خطی فارسی ایران و پاکستان، ج ۷، ص ۲۰۷ به بعد)

تأثیرگذاری مولوی بر فرهنگ شبه قاره و استقبال از او در سرزمینهای دور و نزدیک آنجا به گونه‌های گوناگون بوده که به بعضی از موارد آن اشارت می‌گردد.

انتخاب، انتخاب، انتخاب، گزیده‌ای است از لب لباب مثنوی وسیله لطف‌الله احمد در سه عین: شریعت، طریقت و حقیقت که هر عین در چند نهر و هر نهر در چند رشحه تنظیم یافته؛ نسخه خطی کتاب در انجمن ترقی (۳ ق ف ۲۶۳) شهر کراچی با خط نستعلیق مورخ ۳۰ رمضان ۱۲۶۸ هـ. ق در ۹۶ صفحه نگهداری می‌شود.

لطایف المعنوی فی حقایق المثنوی (دفتر سوم) از عبدالطیف عباسی گجراتی (م ۱۰۴۸ هـ. ق / ۱۶۳۸ م) شرح مثنوی معنوی رومی است. نسخه خطی آن در جامعه همدرد تعلق آباد دهلی نو به شماره ۰۳۴۹ [۱۴۴] به خط شکسته نستعلیق مورخ ذی الحجه ۱۰۹۲ هـ. ق در ۲۱۶ برگ محافظت می‌گردد.

مثنوی معنوی مولانا رومی با کتابت عقیل گیلانی در ۴۲۲ برگ به شماره میکروفیلم ۲۰۳/۱ کتابت ۱۰۰۹ هـ. ق. در کتابخانه مولانا آزاد دانشگاه اسلامی علیگر و نسخه‌ای دیگر در همانجا در ۵۲۲ برگ به شماره ۲۹۱/۲، نیز همانجا به شماره میکروفیلم ۳۸۹/۱ در ۴۸۰ برگ با خط نستعلیق نیز همانجا به شماره ۴۳۵/۱ به کتابت میراحمد قاسمی در ۲۹۷ برگ مورخ ۸۸۰ هـ. ق نیز همانجا به شماره ۵۷۶/۱ با نام مثنوی معنوی (نسخه ناسخه) در ۸۰۴ برگ مورخ ۱۰۹۷ هـ. ق. انتخاب مثنوی معنوی، گزیده‌ای از عالمگیر اورنگ زیب (۱۰۶۸ - ۱۱۱۸ هـ. ق) نسخه خطی آن در اوچ پاکستان در ۳۰ صفحه به تاریخ سال ۱۱۵۴ هـ. ق. موجود است.

نهر بحر مثنوی انتخاب مثنوی از علی عسکر خوافی، عاقل خان که تاریخ سرودن آنرا در سال ۱۰۸۱ هـ. ق. (۱۶۷۰ م) بدین گونه ذکر می‌کند:

اگر به فکر سال و تاریخش شوی با تو گوید: «نهر بحر مثنوی»

نسخه خطی این کتاب نیز به شماره ۴۵۸ در کتابخانه گنج بخش مرکز تحقیقات اسلام‌آباد پاکستان به خط نستعلیق سده ۱۲ هـ. ق موجود است.

منتخب لب لباب مثنوی از وجیهه بن میریوسف حس که در ۱۲ صفر ۱۲۷۵ هـ. ق (۱۸۵۸ م) به دستور مرادش میرسیف الدین به عهده گرفته است. در خور توجه اینکه نویسنده در مقدمه می‌نویسد: چون رویه این بود که پس از نماز بامداد هر روز «مثنوی معنوی» خوانده شود از این روی من به حفظ کردن دفاتر آن و لب لباب مثنوی کوشیدم و از سال ۱۲۷۵ هـ. ق (۱۸۵۹ م) به نگارش این پرداختم و نام آن را منتخب لب لباب نهادم. نسخه خطی این کتاب نیز در کتابخانه گنج بخش به شماره ۱۳۵۱ به خط نستعلیق سده ۱۳ نگهداری می‌شود.

انتخاب معنوی، که در دیباچه آن آمده:

فیض رومی یافتم از مثنوی نام این شد «انتخاب معنوی»

نسخه‌ای به خط نستعلیق محمد عظیم قوم تور (م ۱۲۶۰ هـ. ق) در کتابخانه جامعه ظهور العلوم اکبریة سعديه در اوکاره بصیر پور موجود است.

انتخاب مثنوی یا منتخب مثنوی از مؤلفی ناشناخته در ۲۸ مقاله که نسخه خطی آن به شماره ۹۰۳-۱۹۶۱-N - M با خط نستعلیق در موزه ملی کراچی موجود است. منتخب مثنوی معنوی که نسخه خطی آن به خط نستعلیق سده ۱۴ در ۱۰۸ صفحه به شماره ۹۰۵-۱۹۶۱-N - M در موزه ملی کراچی وجود دارد.

فهرست حکایت‌های مثنوی که حکایت‌های پنج دفتر از شش دفتر مثنوی را (دفتر یکم ۱۸۶ حکایت - دوم ۱۲۹، سوم ۱۳۷، چهارم ۱۵۹، پنجم ۱۲۳، حکایت آورده و با حکایت پادشاه و عاشق شدن بر کنیزک آغاز کرده است و نسخه

خطی آن در اداره تحقیقات اسلامی اسلام آباد پاکستان به شماره ۱۰۰ با خط نستعلیق غلام حیدر خان مورخ ۱۲۴۳ هـ. ق در ۵۶ صفحه موجود است.

حکایت‌های مثنوی معنوی از مؤلفی ناشناخته، نخستین حکایت آن «امتحان کردن پادشاه دو غلام نو خریده را» و واپسین حکایتها منع کردن پادشاه پسر را از رفتن به قلعه و خلاف کردن شاهزاده است؛ نسخه آن در سرگودهای پاکستان به شماره ۲۶ حبیب الرحمن صاحب در ۵۴۲ صفحه به خط نستعلیق خوش از دوست محمد پسر کرم دین در سال ۱۳۱۶ هـ. ق نگهداری می‌گردد.

انتخاب لب لباب مثنوی معنوی از مؤلفی ناشناخته و در حقیقت تضمین گونه‌ای از مثنوی مولوی و نه گزیده آنست. دو بیت از «نی‌نامه» جامی در آغاز این نسخه آمده و بنابر این باید مؤلف پس از جامی زیسته باشد؛ نسخه خطی آن در موزه ملی کراچی به شماره ۱۱۲-۵۲۸. N.M به خط نستعلیق سده ۱۲ در ۶۸ صفحه موجود است.

شرح مثنوی معنوی از عبدالعلی بحر العلوم لکنه‌و (م ۱۲۳۵ هـ. ق / ۱۸۲۰ م) که چند نسخه آن در بهکر پاکستان نگهداری می‌شود از جمله نسخه‌ای که به خط سیادت حسین قادری در رمضان ۱۲۸۰ هـ. ق در ۲۸۷ صفحه نگاشته شده است.

شرح مثنوی معنوی از مؤلفی ناشناخته که دیباچه مثنوی را گزارش کرده و در پایان نیز دیباچه عربی مثنوی را آورده است. نسخه‌ای از این شرح در کتابخانه گنج بخش مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان به شماره ۸۹۱۵ به خط نستعلیق سده ۱۱ هـ. ق در ۵۴ برگ نگهداری می‌شود.

گلشن توحید شرح منظوم مثنوی معنوی از شاهی دده ابراهیم بن صالح مغلوی (م ۹۵۷ هـ. ق / ۱۵۵۰ م) است که نسخه خطی آن به شماره ۹۱۲۶ در ۳۳۲ صفحه در کتابخانه گنج بخش مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان موجود است.

شرح مثنوی معنوی از شامیر محمد نورالله احراری دهلوی (م ۱۰۷۳ هـ. ق / ۱۶۶۳ م) که نسخه خطی در کتابخانه چشنی سلیمانی به خط نستعلیق کبیر علی در ۵۹۴ صفحه در فیصل آباد پاکستان وجود دارد.

شرح مثنوی معنوی از مؤلفی ناشناخته در شرح دفتر یکم و آغاز دفتر دوم است که دو نسخه نستعلیق سده دوازدهم در کتابخانه گنج بخش مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان نگهداری می‌گردد.

شرح بیت از عبدالاحد وحدت سرهندی (م ۱۱۲۶ هـ. ق / ۱۷۱۴ م) درباره شرح دو بیت زیر است.

علم حق در علم صوفی گم شود / این سخن کی باور مردم شود

چونکه بی‌رنگی اسیر رنگ شد / موسی‌ای با موسی‌ای در جنگ شد^۹

نسخه خطی شرح بیت به شماره ۱۱۳۱۴ به خط نستعلیق تحریری مورخ شعبان ۱۱۳۱ در کتابخانه گنج بخش مرکز تحقیقات ایران و پاکستان نگهداری می‌شود.

یکی دیگر از شرح‌های مثنوی مکاشفات رضوی از شارحی به نام مولوی محمدرضا ملتانی لاهوری در قرن یازدهم هـ. ق است که در شهر لاهور چشم به جهان گشود و پدرش محمد اکرم از محققان روزگار خود بوده و به شرح اسکندرنامه نظامی نیز اشتغال می‌ورزیده ولی پیش از به انجام رساندن مکاشفات رضوی در گذشته و پسرش محمدرضا پس از پدر آنرا به پایان برده است. این کتاب به تصحیح و اهتمام آقای کورش منصوری از سوی انتشارات روزنه در سال ۱۳۷۷ به همراه فهرستهای لازم در ۹۰۰ صفحه به چاپ رسیده است.

ترجمه‌های آثار مولوی در شبه قاره

ترجمه‌های زیادی که از آثار مولوی به زبانهای متعدّد و گسترده شبه قاره در درازای زمان انجام گرفته نیز دلیل استواری بر نفوذ اندیشه‌های او در آن سرزمین پهناور است که از آن بسیارها به موارد زیر بسنده می‌کنیم.

ترجمه مثنوی معنوی به زبان اردو از حسن نامی که به خواهش مولانا الهی بخش ترجمه گردیده و به خان امداد علی خان پیشکش شده است. نسخه خطی آن در شهر لاهور در انار کلی به شمار ۳۷ در کتابخانه احسان دانش به خط نستعلیق خوش قادر علی مورخ ۱۸ اکتبر ۱۸۴۱ م در هامش متن فارسی در ۴۴۴ صفحه نگهداری می‌شود.

ترجمه پنجابی مثنوی معنوی از سید امام شاه به زبان پنجابی در سال ۱۱۶۳ هـ. ق (۱۷۵۰ م) انجام گرفت که نسخه آن در شیخو پوره مورخ همان سال در ۹۷۹ صفحه موجود است.

الهام منظوم، ترجمه شش دفتر مثنوی به نظم از عاشق حسین سیماب صدیقی اکبر آبادی (م ۱۳۷۰ هـ ق) است که در سال ۱۳۴۷ هـ. ق پایان یافته است.

کشف العلوم ترجمه همراه با شرح مثنوی است که در مراد آباد هند به چاپ رسیده است کلید مثنوی از اشرف علی تهانوی (م ۱۳۶۲ هـ. ق) ترجمه به اردو و شرح ابیات مهمتر مثنوی معنوی است که در چاپخانه اشرف العلوم دیوبند در سال ۱۳۶۰ هـ. ق انتشار یافته.

مُشْرَح و منظوم، ترجمه مثنوی مولانای روم، که ترجمه منظوم و شرح منثور قسمتی از دفتر اول از عبدالله عسکری است. حل نکته‌ها را در بر دارد؛ در چاپخانه حمایت اسلام در سال ۱۳۶۸ هـ. ق به چاپ رسیده است.

مفتاح العلوم، شرح مثنوی است در زمینه حل لغات و مسائل نحوی و صنایع لفظی و عروضی و نکات عرفانی و فقهی با ترجمه‌ای به نثر روان از محمد نذیر عرشی نقشبندی مجددی که در سال ۱۳۴۴ پایان یافته، چند بار در لاهور به چاپ رسیده که چاپ ششم آن در سال ۱۳۷۹ هـ. ق بوده است.

نالۀ مضطر (موسوم به تحفه مظفر) ترجمه منظوم بخشی از مثنوی است که مظفر نبی که در مطبع رضوی در سال ۱۳۲۶ هـ. ق در دهلی به چاپ رسیده.

ترجمه مثنوی معنوی از عبدالحمید خان حمیدلیح آبادی.

خلاصهٔ مثنوی، ترجمهٔ اردوی بخشی از مثنوی از برکت علی، معلم دبیرستان لاهور بوده که کتابی درسی محسوب می‌شده و ترجمهٔ همان بخشی از مثنوی مولوی است که جزو مواد درسی منشی فاضل دانشگاه پنجاب بوده است.

گلدستهٔ مثنوی، منتخبی از مثنوی معنوی است که وسیلهٔ مفتی جلال‌الدین احمد امجدی در سال ۱۳۷۸ به اردو ترجمه و در مکتبهٔ اشرفیه به چاپ رسیده.

ترجمهٔ منظوم (پنجابی) از محمد شاه دین قادری سیالکوتی در سال ۱۳۵۷ هـ. ق است که در لاهور، الله والی کی قومی دکان به چاپ رسیده است.

ترجمهٔ منظوم (پنجابی) از سید امام علی شاه که نسخهٔ خطی آن در کتابخانهٔ سید محمد حسین شاه بخاری در شیخوپوره به خط مؤلف موجود است و بخشی از این ترجمهٔ منظوم به نام «تفسیر پنجابی منظوم یعنی مثنوی» به چاپ رسیده.

ترجمهٔ مثنوی مولانا روم (پنجابی) فقط دفتر اول از چوهدری محمد افضل خان که در لاهور، (وسیلهٔ مولا بخش کشته و پسران) چاپ شده.

مثنوی مولوی به زبان پشتو نیز ترجمه و شرح شده که از آن جمله است: اسرار العلوم از عبدالجبار بنگش (مقیم هنگو) در شرح دفتر اول و دوم مثنوی معنوی، نسخهٔ اصلی آن به خط شارح مورخ ۱۳۴۳ هـ ق در پشتو آکادمی پیشاور نگهداری می‌گردد.

مثنوی معنوی از مولانا روم با ترجمهٔ سندی منظوم از دین محمد ادیب فیروزشاهی (م ۱۳۹۳ هـ ق) در حیدرآباد سند به چاپ رسیده است.

نفوذ و اثرگذاری مولوی در شاعران شبه قارهٔ هند و پاکستان تا بدان مرتبه در آثار آنان مشهود بوده که خود آنان نیز بارها این تأثیر را اذعان داشته‌اند و نقش حیاتی مولوی را در فکر و اندیشهٔ خود یادآوری کرده‌اند. علامه اقبال لاهوری شاعر بلند آوازهٔ پاکستانی می‌گوید:

چو رومی در حرم دادم اذان من ازو آموختم اسرار جان من

به دور فتنهٔ عصر کهن او به دور فتنهٔ عصر روان من^{۱۰}

در جای جای اشعار علامه اقبال لاهوری و تقریباً همهٔ اشعارش تأثیرپذیری مولوی به اندیشه‌های او کاملاً مشهود است. در جاوید نامه که عروج فکری و آسمانی او محسوب می‌گردد، همه جا مرشد و راهنمای اقبال مولوی است که دستش می‌گیرد و پا به پا رهبریش می‌کند و اقبال را در افلاک به پیشگاه ارواح بعضی گذشتگان جهان معرفی می‌کند، اقبال در پایان این منظومهٔ زیبا به فرزند خود چنین توصیه می‌کند که:

تو نگر، ذوق طلب از کف مده گرچه در کار تو افتاد صد گره

گر نیایی صحبت مرد خبیر از اب و جد آنچه من دارم بگیر
 پیر رومی را رفیق راه سـاز تا خدا بخشد ترا سوز و گداز
 زانکه رومی مغز را داند ز دوست پای او محکم فتد در کوی دوست
 شرح او کردند و او را کس ندید معنی او چون غزال از ما رمید...
 فرد از وی صاحب جذب کلیم ملت از وی وارث ملک عظیم^{۱۱}...
 تأثیرپذیری اقبال از مولوی در سراسر اشعار او موج می‌زند:

بـاز بر خوانم ز فیض پیر روم دفتر سـربسته اسرار علوم
 جان او از شعله‌ها سرمایه‌دار من فروغ یک نفس مثل شرار
 شمع سوزان تاخت بر پروانه ام باده شبخون ریخت بر پیمان‌ام
 پیر رومی خاک را اکسیر کرد از غبارم جلوه‌ها تعمیر کرد
 موجم و در بحر او منزل کنم تا در تابنده‌ای حاصل کنم
 من که مستی‌ها ز صهبایش کنم زندگانی از نفس‌هایش کنم^{۱۲}

جای دیگر می‌گوید:

مرشد رومی چه خوش فرموده است آنکه یم در قطره‌اش آسوده است^{۱۳}

و یا :

راز معنی مرشد رومی گشود فکر من بر آستانش در سجود^{۱۴}

و یا :

روح رومی پرده‌ها را بر درید از پس که پاره‌ئی آمد پدید
 طلعتش رخسندۀ مثل آفتاب شیب او فرخنده چون عهد شباب

بر لب او ستر پنهان وجود بند های حرف و صوت از خود گشود^{۱۵}

و یا :

رومی آن عشق و محبت را دلیل
تشنه کامان را کلامش سلسبیل

گفت آن شعری که آتش اندروست
اصل او از گرمی الله هـوست

آن نـوا گلشن کند خاشاک را
آن نـوا بر هم زند افلاک را^{۱۶}

و یا :

نکته‌ها از پیر روم آمـوختم
خویش را درحرف او واسـوختم^{۱۷}

و بالاخره :

ز اشعار جلال‌الدین رومی
به دیوار حریم دل بیـاویز^{۱۸}

ز چشم مست رومی وام کـردم
سروری از مقام کبـریایی^{۱۹}

مأخذ و پانوشتها

۱. مثنوی معنوی کلاله خاور ص ۴۲۵ ب ۴۵.
۲. جمال‌زاده یادنامه مولوی از انتشارات کمیون ملی یونسکو ۱۳۳۷ تهران ص ۱۵.
۳. منظورش رینولدالین نیکلسون مترجم مثنوی به زبان انگلیسی است .
۴. جمال‌زاده مأخذ شماره ۲ ص ۱۷
۵. به نقل دایره المعارف بریتانیا.
۶. جمال‌زاده ص ۱۶ نیز تاریخ ادبیات فارسی، هرمان اته، ترجمه دکتر رضازاده شفق بنگاه ترجمه و نشر کتاب ، ۱۳۵۶ تهران.
۷. همانجا ص ۱۷.
- ۷/۲. شعر العجم یا تاریخ شعرا و ادبیات ایران تألیف علامه شبلی نعمانی هندی ترجمه سید محمد تقی فخر داعی گیلانی، دنیای کتاب، ۱۳۶۳ تهران .

تحقق یک رؤیا



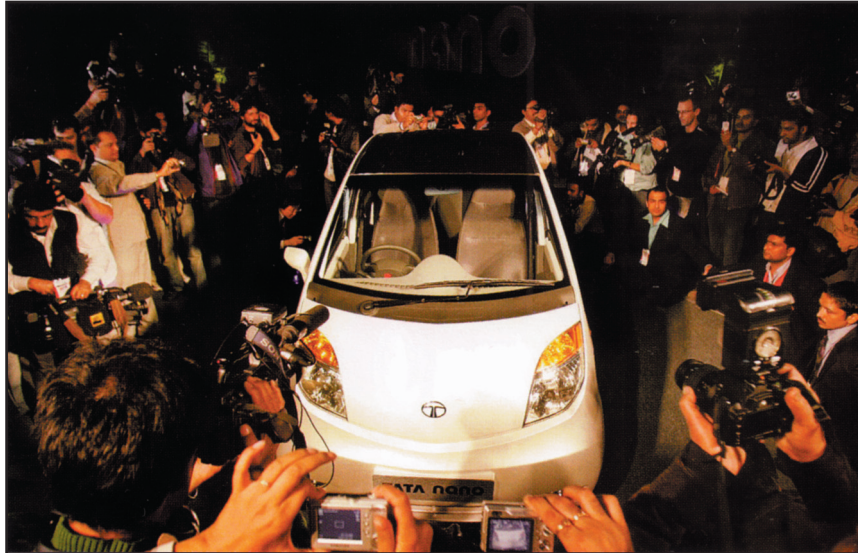
رتن تاتا رئیس گروه کارخانجات تاتا با خودروی "نانو" ی خود.

پراکاش نندا (Prakash Nanda) می نویسد که تخصص و مهارت صنعت هند، با تولید "نانو" (Nano) ارزانترین خودرو در هند امروز بیش از پیش شناخته خواهد شد.

هنری فورد تقریباً یک قرن پیش، امریکا را با خودروی "تی" (T) به حرکت درآورده بود. امروزه این کار را رتن تاتا (Ratan Tata) برای طبقه کمتر ثروتمند دنیا کرده است. خودروی "نانو" ی او که خودش را مانند موشی نشان می دهد که می خروشد، یکی از قابل اعتمادترین محصولات مصرفی قرن است. نانو با قیمت خرده فروشی در حدود یک صد هزار روپیه (۲۰۰۰ دلار)، ارزان قیمت ترین خودرو در دنیاست. نزدیک ترین رقیب آن خودرو ماروتی ۸۰۰ (Maruti 800) محصول دیگر ساخت هند است که آن را کارخانه ماروتی- اودیوگ (Maruti-Udyog) ساخته است و قیمت آن تقریباً دو برابر این خودرو است. در حقیقت قیمت "نانو" تقریباً با قیمت امکانات یک دستگاه دی وی دی (DVD) خودروی لوکس غربی برابر است.

نانو که در حقیقت به معنای کوچک است، رؤیایی است که برای تاتای هفتاد- هشتاد ساله، رئیس مجتمع جهانی تاتاها، به حقیقت پیوست. او به دنیا نشان داده است که یک رؤیا تنها در صورتی به تحقق می پیوندد که شما بتوانید متعهد باشید شکل حقیقی آن را در میان بدبباری ها و سختی ها ببینید.

اما بالاخره این رؤیا چگونه به حقیقت پیوست؟ همان طور که خود تاتا در جایی گفته بود، "همیشه نوعی از اشتیاق و میل ناخودآگاه برای



گزارش مختصر مطبوعاتی عرضه خودروی "نانو"

من وجود داشته است تا برای مردم هند کاری انجام دهم و حمل و نقل موضوع مورد علاقه من بود. همانگونه که شهرنشینی سرعت می گیرد، وسیله ی نقلیه ی شخصی مسأله ای بزرگ شده است. مسافرت با وسیله ی نقلیه ی دوچرخ. در این کشور مسأله ای بسیار عادی است. تصور وسایل دوچرخ چیزی است که مرا به فکر وا می دارد."

اما در مورد قیمت چه کار می شود کرد؟ آیا آنانی که وسایل دوچرخ می رانند، می توانند از عهده پرداخت قیمت خودرو بر آیند؟ معنی اش خودروی رؤیایی است که تاتا در فکر آن بود و باید خودروی ارزان قیمت باشد.

اگر چه در ابتدا، او هرگز تصور نکرده بود که قیمتش می تواند به ارزانی صد هزار روپیه باشد تاتا خاطر نشان کرد: " هرگز به معنای خودرویی صد هزار روپیه ای نبود اما شرایط آن را به وجود آورد. روزنامه بریتانیایی فاینانشیال تایمز (Financial Times) در نمایشگاه خودروی ژنو با من مصاحبه کرد و من در مورد این محصول آینده به عنوان خودروی ارزان قیمت صحبت کردم. از من پرسیده شد که قیمتش چقدر خواهد بود و من گفتم در حدود صد هزار روپیه. روز بعد، فاینانشیال تایمز به این مضمون تیتیر زده بود که کارخانجات تاتا می خواهند خودرو صد هزار روپیه ای تولید کنند. عکس العمل فوری من، صدور تکذیبیه ای بود تا مشخص شود که آن دقیقاً چیزی نبود که من گفته بودم. سپس من فکر کردم، من گفته بودم که در حدود آن رقم خواهد بود، بنابراین چرا ما آن را به عنوان هدف در نظر نگیریم. هنگامی که من برگشتم، مردم ما بهت زده شدند، اما ما هدف مان را داشتیم."

بنابراین هدف مشخص شد، تاتا و گروهش در ابتدا فکر کردند که آنها قادر خواهند بود که با بزرگ کردن اجزای اسکوتر (Scooter) با یک سقف، خودرو بسازند، اما سپس آنها دریافتند که اجزای اسکوتر احتمالاً خیلی محدودیت دارند. بنابراین آنها تغییر رویه دادند و گفتند که بیاییم یک برگ کاغذ سفید را برداریم و شروع به فکر کردن و طراحی خودرو کنیم. تاتا بحث می کند: " چرا کاغذ سفید؟ زیرا ما فکر کردیم که اگر ما باید چیزی انجام دهیم که متفاوت باشد، پس، احتمالاً نمی خواستیم تا میراثی در هر صورت و روشی داشته باشیم، بنابراین ما فکر کردیم که باید از صفر شروع کنیم و من در ابتدا فکر کردم که ما حتی می توانیم خودروای از پلاستیک های مهندسی بسازیم."

تاتا در ابتدا "نانو" را به عنوان خودروی روستایی کوچک احتمالاً بدون در و پنجره وبا پرده های پلاستیکی طراحی کرد که پایین کشیده می شد و به عبارت دیگر مدلی چهار چرخ از اتوریکشا (auto-rikshaw) [در بعضی از کشورهای آسیایی نوعی موتور سه چرخه مسقف که برای جایجایی مسافران مورد استفاده قرار می گیرد] بود.

در هر صورت همانطور که دور توسعه پیش می رفت او متوجه شد که می تواند - و باید - کاری کاملاً بهتر انجام دهد. او به آهستگی به

سمت خودروی که هر کسی از یک خودرو انتظار دارد کشیده شد. تلاش و کوشش به طور تصاعدی افزایش یافت. چالش‌ها افزایش یافتند؛ قیمت پایین، تورم، افزودن ویژگی‌ها و قسمت‌های بیشتر به وسیله و تغییرات اساسی در مواد خام. امام همه این محدودیت‌ها هرگز مانع او نشد. چیزی که او و گروهش را قادر ساخته بود تا در برابر همه این محدودیت‌ها و موانع موفق شوند، واقعاً چشمگیر است.



"نانو" از چیزی خبر داده است که متخصصان به آن "انقلاب طراحی مدولی" یا "بخش‌بخش" می‌گویند. خودروی نانو از قطعاتی تشکیل شده است که می‌توانند به طور مجزا ساخته و حمل شوند تا در مکان‌های مختلف مونتاژ شوند. با نقل قول دوباره از تاتا "گروهی از کارآفرینان می‌توانند شرکت مونتاژ را تأسیس کنند و تاتا موتورز (Tata Motors) افرادشان را آموزش خواهد داد و بر تضمین کیفیت آنان نظارت خواهند کرد و آنها برای ما شرکت‌های مونتاژ وابسته خواهند بود.



بنابراین ما کارفرمایانی را در سراسر کشور به وجود می‌آوریم تا این خودرو را تولید کنند.

ما اقلام انبوه تولید خواهیم کرد و به صورت کیت برای آنها می‌فرستیم. این تفکر من برای توزیع ثروت است. شخص سرویس کار مانند مأمور بیمه خواهد بود که آموزش خواهد دید و دارای موبایل و موتور و برای گروهی از مشتریان مأمور خواهد بود.



در حقیقت پیش‌بینی‌های تاتا تا جایی پیش رفت که برای مکانیک‌های محلی

نمای داخلی "نانو"



نماهای جلوئی و عقبی از "نانو"

برای مونتاژ خودرو در نمایشگاه های فعلی خودرو یا حتی در گاراژهای ایجاد شده برای فراهم آوردن تسهیلات لازم برای مشتریان در مکان های دور افتاده ی روستایی، وسایل و ابزار فراهم گردد.

این راهبرد در ساختن "نانو"، ارزانهترین خودروی دنیا، تفکیک ناپذیر بود. اگر این کار می بایست از راه و شیوه ی مرسوم و عادی صورت گیرد، به معنای سرمایه گذاری چند میلیارد دلار می بود. بنابراین، تاتا به نوع جدیدی از تولید پخش شده، ایجاد واحد تولیدی ای با نقطه پایین تعادل سود و زیان و ارزان قیمت را در نظر گرفت که گروه طراحی می کند و در اختیار کارفرمایانی قرار می دهد که می خواهند واحد تولیدی را ایجاد کنند. او به راههای مختلف تعمیر محصول در محل مشتری توجه کرد و از طریق طرحی برگرفته از صنعت بیمه، که در آن افراد خویش فرما توسط گروه آموزش می بینند و مورد تأیید قرار می گیرند و سپس تاتا به سوی نوآوری در طراحی برگشت و با صداقت قیمت محصول را کاهش داد.

تاتا مواردی مانند ساختن دستگیره ها و مکانیسم همانند برای درهای سمت راست و چپ را انجام داد؛ همکاریش موتور کوچک خودشان را به وجود آوردند که می توانست زیر صندلی عقب جا بگیرد و آنها را قادر بسازد که به طور مجموعی بسته ی کوچکتری را به وجود آورند. آنها به انواع صندلی های جدید توجه کردند و برای کاهش هزینه ها در هر جا کار کردند. آنها دسته و وسائل را به جای جلوی راننده در وسط قرار دادند. این به معنای این بود که همان داشبورد برای وسیله ی نقلیه ی چپ فرمان هم کاربرد خواهد داشت. چنین نوآوری ها زیاد هستند که ارزان قیمت و آینده مدار هستند. انگیزه ای که آنها می توانستند از داشتن وسیله ی تولیدی در مکانی خاص بگیرند به همان اندازه مهم بود که ساختار هزینه. به این حساب منافع به مشتری خواهد رسید.

البته، تاتا منتقدان خود را دارد که از طرفداران محیط زیست گرفته تا طراحان شهری هستند که پیش بینی می کنند تعداد بسیار زیاد ماشین ها در هند در خیابان های هند غیر قابل کنترل خواهد بود و افزایش مصرف بنزین یا سوخت فسیلی، مشکل آلودگی هوا در کشور را وخیم تر خواهد کرد. اما با این همه این حقیقت باقی می ماند که هر "نانو" از یک خودروی استاندارد ۲۵ درصد کمتر دی اکسید کربن منتشر می کند. در حقیقت، خصوصیت آلودگی کمترش یکی از دلایل است که این خودرو قابلیت بازار بزرگی در سراسر دنیا از جمله کشورهای توسعه یافته را دارد. تاتا قبلاً برنامه هایی را برای بردن نانو به مرزهای خارجی اعلام کرده است که با اروپا در سال ۲۰۱۱ میلادی و پس از آن ایالت متحده و دیگر بازارهای دنیا آغاز می شود و بالاتر از همه خودروی نانو دستاوردی بزرگ برای هند است و به خوبی صورت پذیرفته است تا قدرت فناوری هندیان را نشان بدهد. ساختن خودرویی که ارزان است و در استانداردهای امنیت و انتشار آلاینده ها مصالحه نمی کند، دستاوردی بزرگ با هر معیاری است.

♦ نویسنده، یک روزنامه نگار ارشد است که امور بین المللی و تجارت را گزارش می کند.

● منبع: مجله انگلیسی India Perspectives، آوریل-ژوئن ۲۰۰۹ میلادی

غارهای کنهیری

میراث غنی بودایی

متن و عکس ها: راجیش کی. سینگ (Rajesh K. Singh)

مترجم: مریم حسینی متقاعد

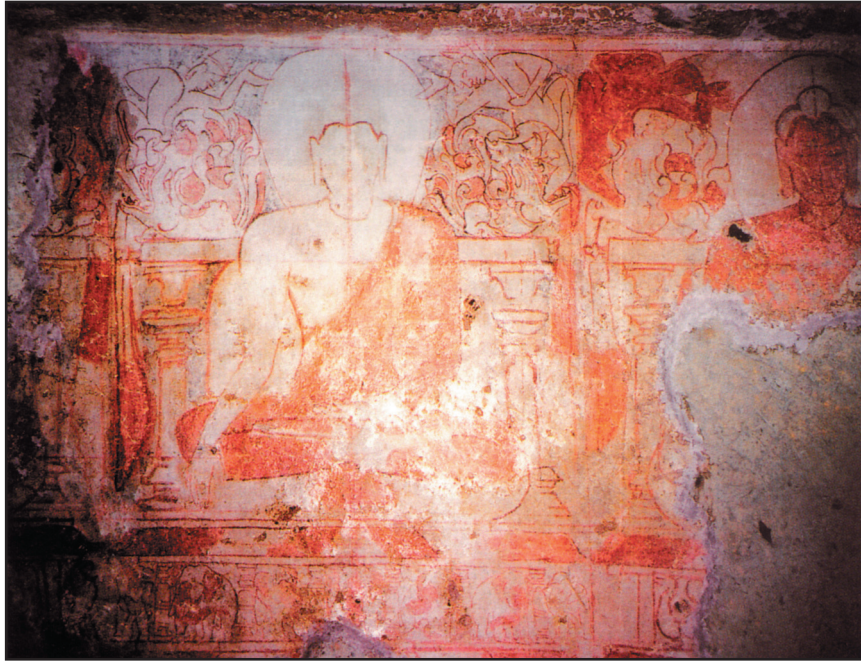


مجسمه عظیم الجثه بودا در چیتیا

یک پارک ملی در وسط کلان شهر سلوغ مُمبئی (بمبئی سابق)، پایتخت ایالت هندی مهاراشترا (Maharashtra)؛ و اگر بیشتر به شما گفته شود که این ناحیه ی پر درخت، همچنین محل سکونت باستانی و عظیم راهبان بودایی را به نمایش می گذارد، ممکن است باور نکنید. اما آن چیزی است که کنهیری (Kanheri) واقع در حاشیه ی شرقی پارک ملی بوریولی (Borivli) در مُمبئی راجع به آن است.

پارک ملی بوریولی دارای یکی از بزرگترین پوشش های سبز گیاهی در آسیا و گونه های متنوع گیاهان و جانداران است. به محض اینکه درون پارک ملی به سمت غارهای بودایی پا بگذارید، پیوسته با انواع بسیاری از درختان آشنا می شوید مانند خیزران، پنبه ابریشمی، صندل سرخ، انجیر هندی، اکالیپتوس و غیره که تعدادی از آنها هستند. زمانی که بالاخره به غارها می رسید، به دنیایی کاملاً متفاوت منتقل می شوید، به دنیای صلح و آرامش و دور از هیاهوی دیوانه کننده ی ممبئی.

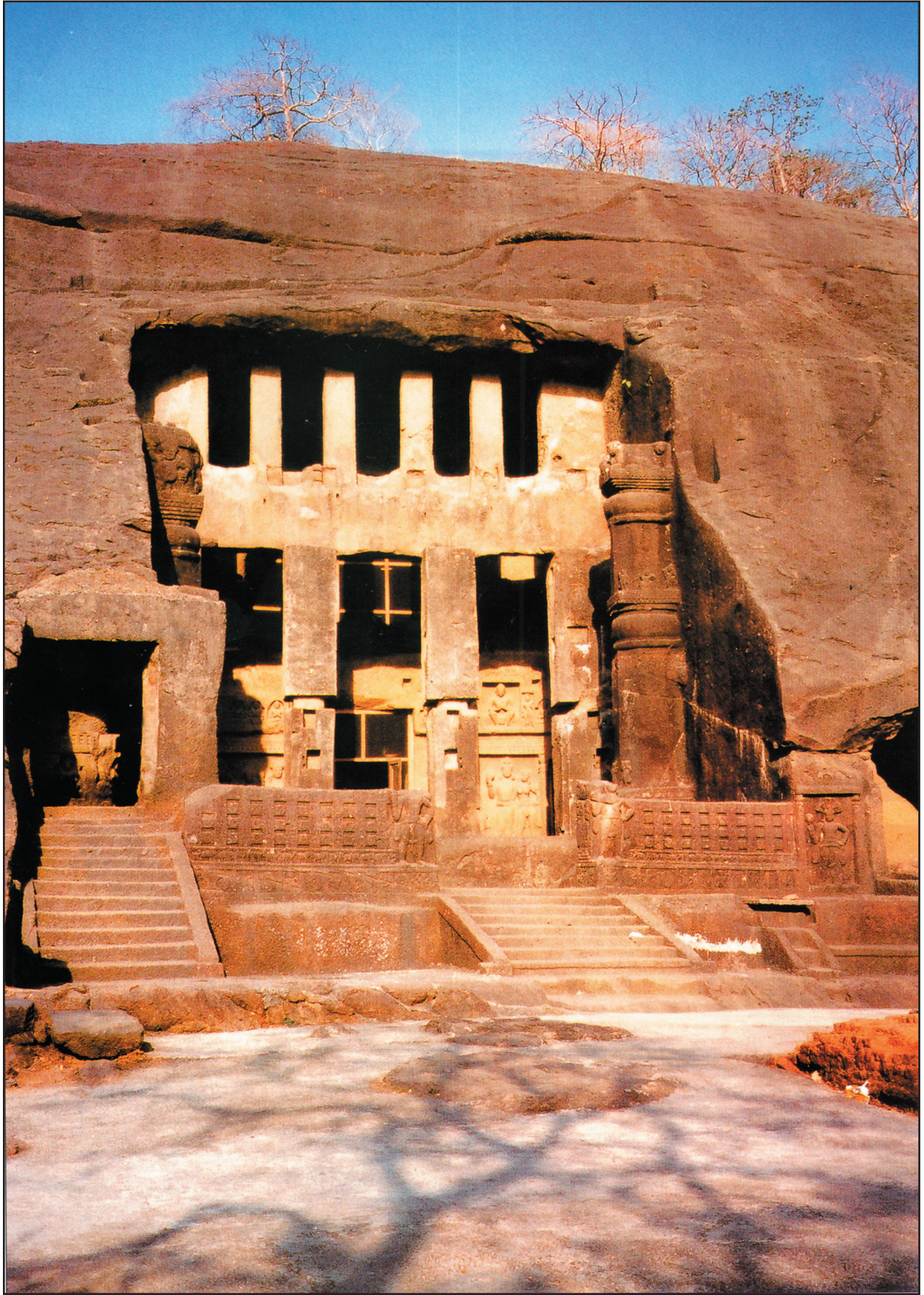
غارها در کنهیری در تپه ها کنده شده اند. از جایی که شما می توانید مناظر زیبای دره های کم عمق اطراف جنگل را به ویژه در



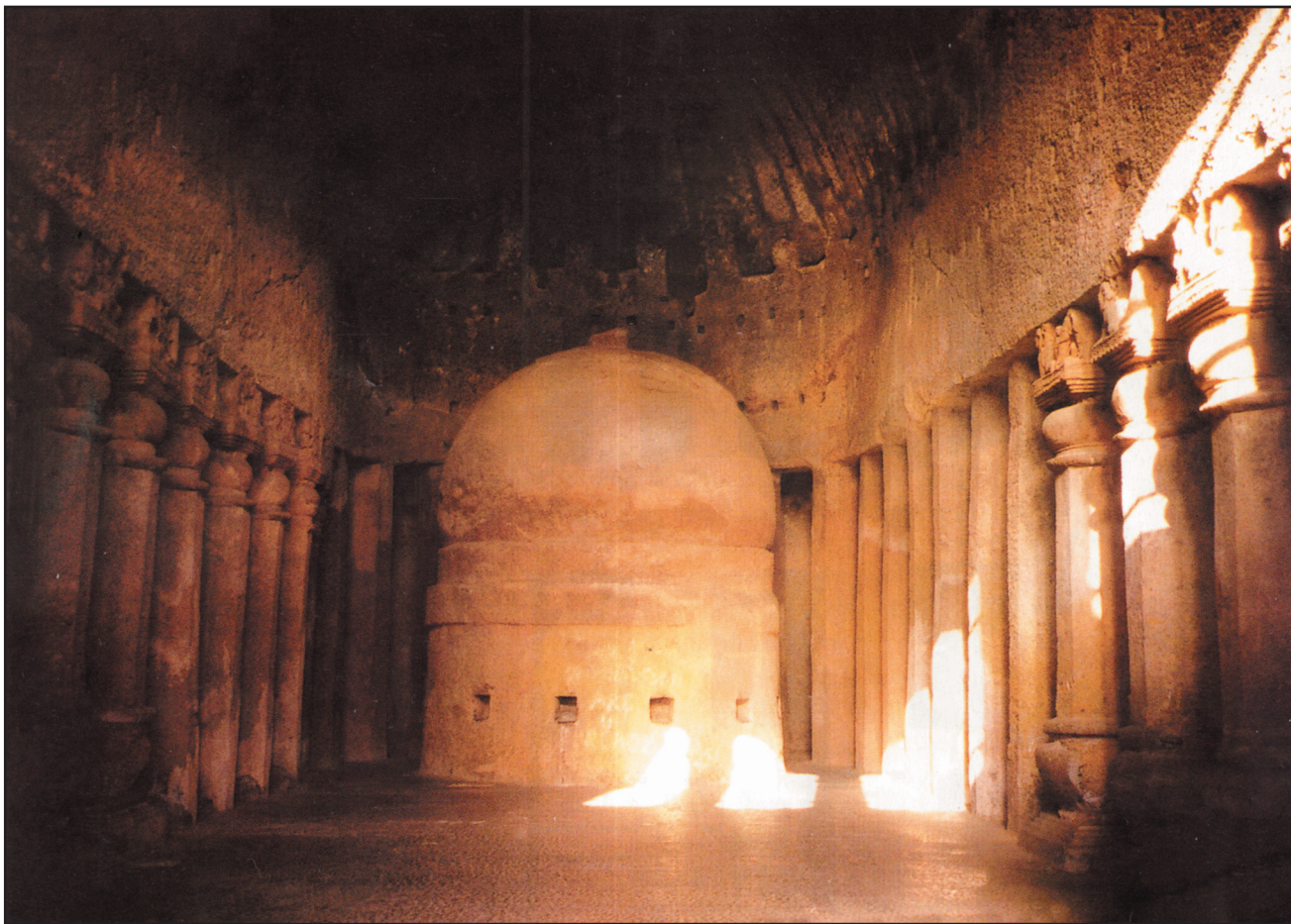
نقاشی نادر حضرت بودا در حالت بهومیسپارس بر روی سقف غاری

سمت شرقی تماشا کنید. اگرچه ماهاراشترا به داشتن بیشترین تعداد غارهای تراشیده شده در صخره در هند به خود می‌بالد، کنهیری بزرگترین تأسیسات صومعه بودایی واقع در ساحل کونکان (Konkan) است. اعتقاد بر این است که غارها در طول دوره وسیعی از قرن سوم پیش از میلاد تا قرن ششم پس از میلاد تراشیده شده‌اند. در حدود صد غار تراشیده شده در صخره وجود دارد؛ مرکز نقشه برداری باستان‌شناختی هند که از این محل مهم میراثی مراقبت می‌کند همه آنها را شماره گذاری کرده است. بازدید از همه آنها ممکن نیست اما بازدید از غارهای شماره ۳، ۱۰، ۱۱ و ۹۰ را نباید از دست داد.

این غارها چیتیا ی عظیم (Chaitya = معبد بودایی)، ویهارهای عظیم (Viharas = خانه های مسکونی)، آشپزخانه و نماز خانه ای بزرگ دارد. با شکوهترین این غارها، غار شماره سه است که چیتیا ی عظیمی دارد. در هر دو طرف در ورودی این چیتیا، ۲ مجسمه عظیم الجثه بودا با حدود ۲۳ پا ارتفاع در حالت ایستاده وجود دارد. این چیتیا اعجاب معماری نیست؛ شاهکار مجسمه ای است! مرحله ی کندن این چیتیا با تراشیدن از بالای تپه شروع شد که سپس به سمت پایین و داخل ادامه پیدا کرد. این غارها حد بسیار بالای از خود گذشتگی و کمال استادی صنعتگران را نشان می‌دهد که در آن کار شرکت داشتند. دوم جوآو کراستو (Dom Joao Crasto)، والی پرتغالی که از این مکان بازدید کرد به حدی مجذوب این غارها شد که او اظهار داشت: « این غارها به حدی فوق العاده هستند که ما به جای تصور اینکه آنها کار و اثر انسانها باشند، آنها را به روح ها و هنر اهریمنی نسبت می‌دهیم، حداقل من هیچ شکی ندارم.» کتیبه ای بر روی یکی از ستون ها در جلوی چیتیا خاطر نشان می‌کند که در طول حکومت گوتامی پوترا ساتاکارانی (Gautami Putra Satakarani) پادشاه مشهور سلسله ساتواہانا (Satvahana) که از سال ۱۰۶ میلادی تا سال ۱۳۰ میلادی فرمانروایی کرد، تراشیده شد.



نمای جلویی چیتیا



استوپا و ستون‌ها در غار شماره ۳

ساتواهانها بعد از سقوط امپراتوری موریان (Mauryan) در این مناطق به قدرت رسیده بودند. این کتیبه هم چنین می گوید که شهروندان شهرهای نزدیک مانند کلیانا (Kalyana)، سوپارا (Supara) و تهانه (Thane) علاوه بر تاجران ثروتمندی که از این شهرها می گذشتند، کمک های زیادی برای تراشیدن چیتیا و بهارها می کردند.

استوپای بزرگ استوانه ای شکلی که آن را ستون‌ها احاطه کرده اند درون سالن چیتیا وجود دارد. استوپاها برای نگهداری یادگاری های بودا یا دیگر مبلغان معروف فرقه بودا استفاده می شدند. این امر که در اینجا بودا در شکل انسانی نشان داده نشده است، نشان می دهد که چیتیا در ابتدا توسط راهبان بودایی متعلق به فرقه هینایانا (Hinayana) تراشیده شده بود. آنها استوپا را در سالن چیتیا برای پرستش نصب نمودند که تنها کمی تزئینات مجسمه ای بر ستون‌ها و دیوارهای اطراف داشت. سپس بعدها هنگامی که فرقه مهاییانای بودایی مشهور گشت، بت‌های بودا و دیگران در اندازه‌ها و حالت‌های متفاوت حکاکی شدند. سر افزارهای حکاکی شده مردان و زنان در دیوارهای جلویی ایوان چیتیا، سبک زندگی مردم آن روزگار را روشن می سازد. توصیه می شود که انسان کنهیری را هنگام عصر بازدید کند زیرا اشعه های ملایم خورشید از سمت غرب نه تنها تپه ی صخره ای و محیط اطراف را خنک تر



نمایی از ویهارهای کنده شده در صخره

می سازد بلکه آنها همچین ظاهر نمای غربی چیتیا و استوپای داخلی را با رنگ طلایی درخشان می سازند.

انسان با پیشروی مستقیم از چیتیا به سمت شرق، به شماری از غارها با اندازه های متفاوت خواهد رسید که در سطوح متفاوت حکاکی شده اند. بسیاری از آنها ویهارها هستند. ویهارهای ابتدایی اتاق های غاری ساده ای بودند که برای فراهم آوردن سرپناه برای راهبان بودایی سرگردان ساخته شده بودند. بعدها این غارها با امکانات اضافی مجهز شدند تا راهبان بتوانند برای مدت طولانی تری در آن زندگی کنند؛ بسیاری از آنها نیمکت سنگی برای استراحت و خواب و ایوانی در جلو دارند. خارج از اتاق ها، مخازن زیرزمینی برای ذخیره آب باران با تدارکات برنامه ریزی شده برای جریان آب هستند. غار شماره ده، آشپزخانه ای بزرگ داشت؛ حالا تنها بقایای کمی از آنها باقی مانده است. این آشپزخانه می توانست شصت تا هفتاد راهب را که در اینجا اقامت داشتند، به طور مرتب غذا بدهد. روبروی این غارها، غار شماره هشت است که کتیبه ای خاطر نشان می کند که کویا (چاه) در آنجا برای تأمین آب برای ساکنین کنده شده بود.

غار شماره ۱۱، نمازخانه بزرگی است و تعدادی اتاق در سمت جلوی آن تراشیده شده است. اتاق وسطی مجسمه بزرگ حضرت بودا را در حالت نشسته دارد. استادان بودایی از اتاق های مجاور در دو طرف اتاق وسطی برای مراقبه استفاده می کردند. دو ردیف سکوی برآمده در جلوی این اتاق ها وجود دارد که طلاب در طول موعظه های مذهبی بر آنها می نشستند. وجود تعداد زیادی از ویهارهای خودکفا، آشپزخانه ای بزرگ و نمازخانه ی بزرگ به این حقیقت اعتبار می بخشد که کنهیری زمانی دانشگاه معروف بودایی بود. بالا رفتن از چندتا پله سنگی که در صخره ها تراشیده شده، شما را به برخی از



قابی در غار شماره ۳، بودا و زوجی سلطنتی را نشان می دهد.

ویهارهایی می برد که به طور بی نظیری تراشیده شده و در سطوح بالاتر قرار دارد. غارهای شماره ۵۵ و ۶۶ و ۹۰ قاب های زیبایی با مجسمه های حضرت بودا و همراهانش دارد که بر دیوارهای ویهاراها حکاکی شده اند. این قاب ها همچنین مجسمه بودا را در مودراهای (Mudras = حالتها) متفاوت مانند پدما سنا (Padmasana = نیلوفر آبی)، دهرماچکرا پراورتنا (=Dharma Chakra Pravartana = حرکت چرخ مقدس)، دهیان (Dhyan = مراقبه) و غیره دارد. این قاب ها که زیاده از حد حکاکی شده اند با قاطعیت ثابت می کند که راهبان بودایی فرقه مهاییانا این ویهاراها را تراشیده اند.

گرچه کنهیری برای شکوه مجسمه های تراشیده شده در صخره اش معروف است، خیلی ها نمی دانند که برخی از نقاشی های نادر هنوز بر سقف تاریک برخی ویهاراها وجود دارد. گرچه طرح رنگ این نقاشی ها خیلی مفصل نیست و تنها به قرمز و سفید محدود می شود و نقاشی ها مانند آنهایی که در غارهای آجاتا (Ajanta) هستند، متنوع نیستند، آنها با این وجود، بینش و بصیرتی برای مراحل ابتدایی نقاشی های هندی فراهم می کنند.

◆ مؤلف، عکاس/سفرنامه نویس است.

● منبع: مجله انگلیسی India Perspectives، فوریه سال ۲۰۰۶ میلادی

بقیه "نفوذ و اثر گذاری مولوی..." از صفحه ۲۰

۸. رک فهرستهای زیر:

الف: فهرست مشترک نسخه‌های خطی فارسی پاکستان، احمد منزوی، از انتشارات مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان در چهارده مجلد.

ب: راهنمای فهرست مشترک نسخه‌های خطی فارسی پاکستان، دکتر انجم حمید از انتشارات مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، اسلام آباد، ۱۳۷۷.

ج: ترجمه‌های متون فارسی به زبان‌های پاکستانی، تألیف اختر راهی، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ۱۳۶۵
هـ. ق.

د: فهرست نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه جامعۀ همدرد تغلق آباد دهلی نو از انتشارات مرکز تحقیقات فارسی رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در دهلی نو ۱۳۷۷.

ه: فهرست میکروفیلم نور - هند ۱۳۷۹.

۸/۲. لب لباب مثنوی، مولانا ملاحسین کاشفی سبزواری، با مقدمه استاد سعید نفیسی بنگاه مطبوعاتی افشاری چ دوم ۱۳۶۲ تهران.

۹. مثنوی معنوی به تصحیح محمد رضانی، چاپ کلاله خاور ۱۳۱۹ تهران، ص ۵۰ س ۲۱.

۱۰. ارمغان حجاز، کلیات اشعار فارسی اقبال لاهوری به کوشش م درویش سازمان انتشارات جاویدان، چ دوم ۱۳۶۱
ص ۵۲۸.

۱۱. همانجا، اقبال نامه ص ۴۵۰.

۱۲. کلیات اشعار فارسی مولانا اقبال لاهوری به کوشش احمد سروش. کتابخانه سنایی ۱۳۴۳ تهران، اسرار خودی،
صفحه ۸۶.

۱۳. همانجا ص ۸۹.

۱۴. همانجا ص ۱۸۱.

۱۵. همانجا ص ۲۸۰.

۱۶. همانجا ص ۲۹۴.

۱۷. همانجا ص ۴۰۱.

۱۸. همانجا ص ۴۵۸.

۱۹. همانجا ص ۴۵۹.

اشوک کومار

غول سینمای هند

نویسنده: بی. ام. ملهوترا (B. M. Malhotra)



اشوک کومار (Ashok Kumar) پیش کسوت صنعت فیلمسازی هند در روز دهم دسامبر ۲۰۰۱ م. در ممبئی در گذشت و چنان بود که گویی عصری به پایان رسید. او به اکران هند ظرافت و لطافتی بی نظیر بخشیده بود که امروزه به سختی می تواند به وجود آید.

در صنعت فیلمسازی هند همه او را با علاقه خاصی دادامونی (Dadamoni [در زبان بنگالی به معنی یک تکه جواهر برادر بزرگتر]) صدا می کردند، اشوک کومار، پیش کسوت نود و اند ساله، از اواسط دهه ۱۹۳۰ م. برای مدت شش و نیم دهه روی عالم سینما مانند یک غول سایه افکنده بود. او در این مدت بسیار طولانی نقش های گوناگونی را بازی کرد و حتی چند فیلم را کارگردانی کرد و تهیه کرد.

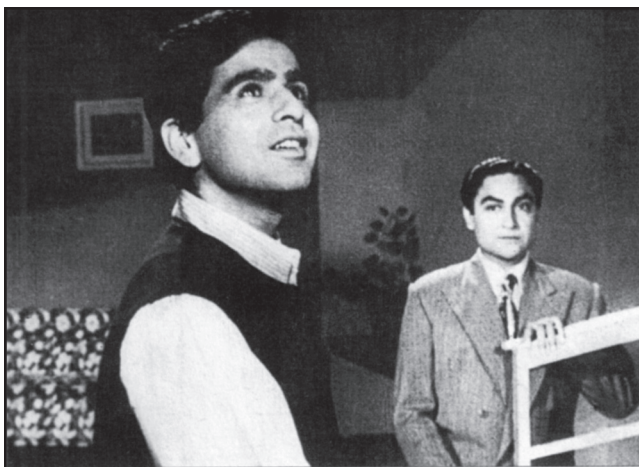
او کارش را به عنوان تکنیسین کارآموز آغاز کرد و به زودی در ماه ژانویه ۱۹۳۰ م. در ممبئی تاکیز (Bombay Talkies) که زمانی معروف بود و مدت مدیدی است از رده خارج شده زیر نظر بنیان گذار آن هیمانسو رای (Himansu Rai) به عنوان دستیار آزمایشگاه مشغول به کار شد.



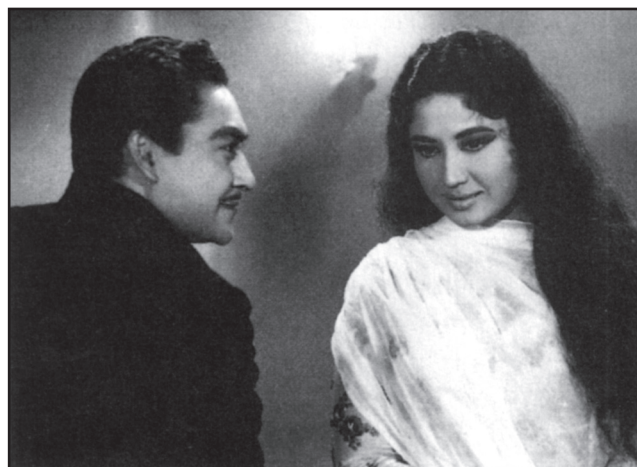
اشوک کمار در فیلم "اچھوت کنیا" (۱۹۳۶م.) با دیویکا رانی



با ثریا در فیلم "کھلاری" (۱۹۵۰م.)



با دلپ کمار در فیلم "دیدار"



با مینا کماری در فیلم "بهو بیگم" (Bahu Begam)



با نلنی حیوانت در فیلم "سنگرام"



با مدهوبالا در فیلم "اک سال" (Ek Saal م.م.)

اشوک کومار در روز ۱۳ اکتبر ۱۹۱۱ م. در شهر بهاگلپور (Bhagalpur) ایالت بیهار (Bihar) درخانه پدر بزرگ مادریش که مادرش گوری رانی دیوی (Gauri Rani Devi) از کهنادوا (Khandwa) واقع در ایالت مادیاپرادش برای زائیدن نخستین فرزندش به آنجا رفته بود، متولد شد. پدر اشوک کومار، کُنجا لال گنگولی (Kunj Lal Ganguli) وکیل دادگستری بود و در کهنادوا به کار و کالت مشغول بود. کنجالال نخستین پسرش را کُمُد (Kumud) نامید که مثل نام خودش با حرف "ک" شروع می شد و با همان قیاس پسران دوم و سوم را کلیان و کیشور (Kalyan & Kishore) نام گذاری کرد. کُمُد و کلیان را در نهایت دوباره اشوک و انوپ (Anoop) نامیدند در حالی که کیشور نام اصلی اش را حفظ کرد.

اشوک اوایل کودکی اش را در بهاگلپور گذراند. آشنایی او با سینما زمانی روی داد که او در سال ۱۹۲۲م. همراه با مادرش به تماشای بیوسکوپ (bioscope) که در آن زمان سینما را در محل با همین نام می شناختند در زیر چادری در کهنادوا رفت.

در سال ۱۹۳۶ هنگامی که صحنه های نخستین فیلم شرکت بمبئی تاکیز (Bombay Talkies) برای فیلم جیون نیا (Jeevan Naiya) آماده شد قرار بود که چند روز بعد فیلم برداری آغاز شود، قهرمان فیلم نجم الحسن ناگهان ناپدید شد. رای پس از این که اشوک کومار را به طور دقیق بررسی کرد او را واداشت که جای خالی قهرمان مرد را پر کند و در مقابل دیویکا رانی همسر ستاره ی رای که نقش قهرمان زن را به عهده داشت، بازی کند. رای همچنین اشوک را مورد نوازش و تشویق قرار داد و او را آماده ساخت. هنگامی که فیلم به نمایش گذاشته شد با موفقیت همراه بود و علاوه بر این که باعث شهرت دیویکا رانی شد نقش اشوک تازه کار هم مورد تحسین قرار گرفت. به دنبال آن فیلم اچھوت کانیا (Achhut Kanya) ساخته شد و در آن هم اشوک با دیویکا همبازی شد. این فیلم بسیار موفق بود و دوئت

(آهنگ دو صدایی) آن "مین بن کی چریا بن کی بن بن دولون ری (Main ban ki chidiya ban ke ban ban doloon re) (پرنده ای آزادم به همه جا پرواز می کنم) [من پرنده ای از جنگل شده به هر جنگلی پرواز می کنم] که آن را دیویکا و اشوک زمزمه کرده بودند بسیار محبوب و مقبول شد. این فیلم اشوک را به اوج شهرت رساند. جواهر لعل نهرو، ایندیرا گاندی و سروجنی نائیو (Sarojini Naidu) نیز که هیمانسو رای ترتیب ویژه نمایش فیلم برای آنها داده بود، از او تقدیر به عمل آوردند.

فیلم سوم او جنما بهومی (Janma Bhoomi) که این نیز با دیویکا رانی بود، با موفقیت روبرو شد. فیلم های دیگر او با دیویکا در دو سال بعد عبارت بودند از "ساویتری"، "عزت"، "نیرملا" و "وچن". پس از ازدواجش با شوبها (Shobha) در سال ۱۹۳۸م. بخت و اقبال او همچنان با او بود و فیلم بعدی اش "کنگن" (Kangan) در سال ۱۹۳۹م. با هنرپیشه جدید لایلا چیتنیس (Lila Chitnis) موفقیت بزرگی بود.

پس از در گذشت ناگهانی هیمانسو رای در ۱۹۴۰م. دیویکا رانی اداره شرکت Bombay Talkies را بدست خود گرفت و فیلم های بندن Bhandan در ۱۹۴۰م. و جهولا Jhoola در ۱۹۴۱م. را با همان زوج سینمایی ساخت و موفقیت سه گانه سه سالگرد، بیست و پنجمین سال را جشن گرفت. اشوک به یک هنرپیشه محبوب زنان مبدل شد و مطبوعات نیز از کارش در این فیلم ها و نیاسنار Naya Sansar در ۱۹۴۱م. که در آن نقش یک خبرنگار با شهامت و با وجدان را ایفا کرده بود، ستایش به عمل آوردند. فیلم بعدی شرکت بمبئی تاکید فیلم "قسمت" (۱۹۴۳م.) بود که در آن اشوک کومار و ممتاز شانتی نقش اول را بازی می کردند، تهیه کننده آن گیان موکهرجی (Gyan Mukherji) و آهنگساز آن انیل بیسواس (Anil Biswas) بود. این فیلم موفقیت بی سابقه ای بدست آورد و در یک سینما در کلکته بدون وقفه برای مدت تقریبی چهار سال روی اکران بود.

اشوک کومار همچنین در این نقش منفی درخشید و طرفه این که برای پسران جوان کشور به عنوان یک الگوی نقش ظاهر شد به ویژه برای سیگار کشیدن به سبک خاص خود. او استعداد خود برای چنین نقش های ضد قهرمان در این فیلم و فیلم های دیگر مانند سنگرام (۱۹۵۰م.)، انتقام (۱۹۶۹م.) و Jewel Thief [دزد جواهر] (۱۹۶۷م.) را به یک ارث ژنتیک از جد پدری اش که مانند رابین هود ثروتمندان را لخت می کرد و به فقرا کمک می کرد، نسبت می دهد. اشوک همچنین برای قاه قاه های صمیمانه اش روی سن و خارج از آن معروف بود و نبوغ خود در اجرای کمدی در فیلم های موفق مانند "چلتی کا نام گاری" (۱۹۵۷م.)، "ویکتوریا شماره ۲۰۳" (۱۹۷۲م.)، "چھوتی سی بات" (Chhoti Si Baat) در ۱۹۷۵م.، "کھتا میتھا" (Khatta Meetha) در ۱۹۷۷م. و "خوبصورت" (Khubsoorat) در ۱۹۸۰م. به اثبات رسانید. او می گفت که این جرعه بذله گویی و شوخی را از پدرش به ارث



منظره ای از فیلم "چلتی کا نام گاری"

برده است که او با دلایل بدله گویانه و پر معنی هنگام جر و بحث های قانونی در دادگاه کهاندوا باعث خنده های مکرر حاضران می شد.

بعد از فیلم "قسمت" شرکت بمبئی تاکید تقسیم شد و ساسادهار (Sasadhar). گیان موکهرجی (Gyan Mukherji) و عده ای دیگر فیلمستان (Filmistan) را به راه انداختند و فیلم های متعددی ساختند. نخستین فیلم شان "چل چل ری نوجوان" (Chal Chal Re Naujawan) در ۱۹۴۳م. بود که در آن اشوک و نسیم نقش های اول را بازی کردند. هنگامی که دیویما رانی با نقاش معروف روسی، سوتیسلاو رویریچ (Svetoslav Roerich) ازدواج کرد و در سال ۱۹۴۵م. از سینما کناره گیری کرد، اشوک و چند تن از همکارانش سهام عمده بمبئی تاکید را خریداری کردند و مدیریت آن را به عهده گرفتند. اشوک با کارگردانی فیلم "Eight Day" در ۱۹۴۶م. برای فیلمستان آرزویش را برآورده ساخت اما افتخار کارگردانی را به تدوینگر آن دتآرام پایی بخشید. او همچنین در فیلم "شکاری" (۱۹۴۶م.) فیلمستان نقش اول را داشت و در آن فیلم بود که اس.دی برمن (S.D. Burman) نخستین بار به عنوان آهنگ ساز ظاهر شد. اشوک بعد از آن برای بمبئی تاکید فیلم "صدی" (۱۹۴۷م.) را کارگردانی کرد و در آن دیوانند (Dev Anand) را به عنوان قهرمان و برادرش کیشور کومار را به عنوان خواننده شامل نمود. بعد از آن فیلم بسیار موفق "محل" (۱۹۴۹م.) بود که در آن مدهوبالا (Madhubala) نقش اول زن را بازی می کرد و کهیم چند پراکش (Khemchand Prakash) موسیقی بسیار عالی را فراهم کرد. علاقه مندانه موسیقی فیلم هنوز هم از آهنگ ابدی آن آئی گا آئی والا (Aayega aanewala) که آن را لتا منگیشکار خوانده بود لذت می برند. اشوک باز در فیلم "بیتاب" (Betab) در سال ۱۹۵۲م. و "بی وفا" (Bewafa) در ۱۹۵۲م. و فیلم های متعدد بازی کرد و باز هم مورد تحسین و تشویق کاهش نیافته تماشاگران قرار



در فیلم "عزت" (۱۹۳۷م.)



با نوتن در فیلم "بندنی"

گرفت. آنگاه او بدون وقفه در تعداد زیادی از فیلم ها بازی کرد که بیادماندی ترین آنها عبارتند از "مشعل" (۱۹۵۰م.) "افسانه" (۱۹۵۱م.) "پرینیتا" (Parineeta) در ۱۹۵۳م. "اک هی راستا" (Ek Hi Rasta) در ۱۹۵۶م.، قانون (۱۹۶۰م.)، "آرتی" (Aarti) در ۱۹۶۲م.، "بندینی" (Bandini) در ۱۹۶۳م.، "گمراه" (۱۹۶۳م.)، "میری محبوب" (Mere Mehboob) در ۱۹۶۳م.، "آشیرواد" (Aashirwad) در ۱۹۶۸م.، "ستیاکام" (Satyakam) در ۱۹۶۹م.، "پاکیزه" (Pakeezah) در ۱۹۷۱م. و "مستر اندیا" (Mr. India) در ۱۹۸۷م. خیلی پیش از این در فیلم "نجمه" (۱۹۴۳م.) و "همایون" (۱۹۴۵) محبوب خان بازی کرده بود. در اوایل جوانی اشوک یک بوکسور خوب بود. در مشغله های محبوب او ستاره بینی (طالع بینی)، عدد شناسی، نقاشی و شطرنج بازی شامل بود. او به خودرو های قدیمی نیز علاقه مند بود و افتخار داشتن اتومبیل رولز رویس (Rolls Royce) را نیز داشت. او به مطالعه هم علاقه داشت و چندین زبان از جمله سنسکریت، اردو و فارسی را بلد بود. علاوه بر این پزشک واجد شرایط هومئوپاتی بود و بسیاری از مریض ها را با موفقیت معالجه کرده بود. او به آسم مبتلا



با لیلیا پیتنیس در فیلم "بندهن"



با مینا کماری در فیلم "پرینیتا" (Parineeta)



با نرگس و دلپ کمار و یعقوب در فیلم "دیدار"

بود و با داروی هومئوپاتی که خودش برای خود تجویز کرده بود آن را تحت متنرل داشت.

او در سال ۱۹۶۲ جایزه پدماشری (Padmashri) را از آن خود کرد و در سال ۱۹۸۹ به گرفتن جایزه دادا صاحب پهلکه نائل شد.

او همچنین جایزه فیلم فیر (Filmfare) برای بهترین هنرپیشه در فیلم آشیرواد را در سال ۱۹۶۹م. بدست آورد و در سال ۱۹۹۵ جایزه راج کاپور (Raj Kapoor) فیلم فیر برای دستاورد تمام زندگی را دریافت نمود.

زندگی خوب استفاده شده ی این اسطوره داستان طولانی دستاوردهای متنوع و عالی است. اگرچه او دیگر در میان ما نیست اما در قلوب خیل دوستداران و طرفدارانش زنده خواهد ماند چون اشوک کومارها هرگز نمی میرند.

♦ مؤلف نویسنده ای معروف در امور سینمایی است و این متن خلاصه شده مقاله ایست که در India Perspectives ژانویه ۲۰۰۲م. انتشار یافته بود.

با قدم زدن در ابرها

ولینگتون و کونور را کشف کنید

متن: ایلیکا چکراورتی (Ilika Chakravorty)

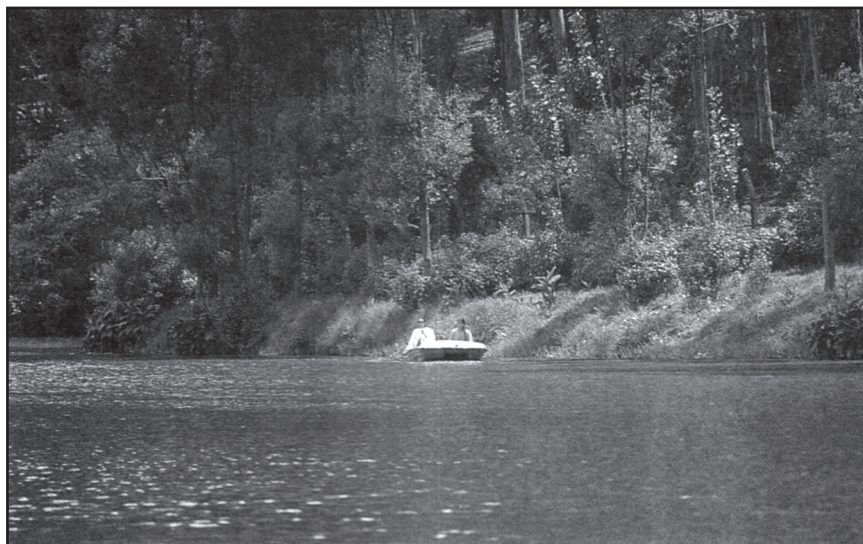
عکسها: پهال اس. گیروتا (Phal S. Girota)

بیلاق کوهستانی عجیب و غریب را به عنوان آسایشگاه تعیین کرد، در حقیقت به عنوان شهری پادگانی ایجاد شده بود که انگلیسی ها اولین بار در سال ۱۸۲۰ میلادی به این پناهگاه روی آوردند تا از تابستان هند فرار کنند. فضاهای باز، جنگلها و دریاچه های آرام آن احتمالاً آنان را به یاد مناطق کوهستانی ویلز و اسکاتلند می انداخت.

سفر به ولینگتون مملو از جذابیت دنیای قدیم و زیبایی غیر قابل قیاس است که روان را التیام می بخشد و روح را دوباره زنده می سازد. تا اواخر قرن هجدهم، شاخ و برگ انبوه کوه های نیلگیری را پوشانده بود و دسترسی آسان به شهر را غیر ممکن ساخته بود. در آن وقت تعدادی قبیله به ویژه توداها (Todas)، ساکنان اولیه و آرومبایاها (Arumbayas) با هم زیستی مصالحت آمیزی زندگی می کردند، احتیاجاتشان را از جنگل های پر برکت و فراوان تأمین می کردند و حرفه های سنتی شکار، جمع آوری عسل و پرورش گاو میش را دنبال می کردند. امروز بعد از صد سال که راج (the

هنگامی که شما از جاده باریکی که راهش از میان کوههای آبی (Blue Mountains) می گذرد به سمت بالا می روید، خورشید درخشان آسمان را با محشری از رنگها رنگ می کند و رنگین کمانی بر خط افق به وجود می آورد. زمانی که فریادهای گاه و بی گاه میمون ها و حیوانات وحشی سکوتی را که در آنجا حکمفرماست، می شکند، شامگاه در سردرگمی رنگهای ملایم فرا می رسد. شما از اوتی (Ooty) بعد از حدود ۲۹ کیلومتر عبور می کنید و به سوی دره ای ساکت پایین می روید که تنها با نورهای شهری که در عمق دورنش آرمیده است مورد استقبال قرار می گیرید.

این ولینگتون (Wellington) است، به عبارت صحیح تر، ملکه نیلگیری ها (Nilgiris) است. در حالی که اوتی واقع در همسایگی به دلیل شهرتش با پر ازدحام و تجاری شدن توانش را پرداخته است، ولینگتون نه چندان معروف که در فاصله ی چند قدمی قرار دارد هنوز هم جذابیت و حال هوایش را حفظ کرده است و به افتخار دوک آهنین، ولینگتون، این نام گرفت. ولینگتون که این





کلیسای در ولینگتون

Raj=دوران حکومت بریتانیا در هند) سپری شده است، با این وجود، انسان در این قسمت دور افتاده ی کوههای آبی هنوز می تواند به سبک معماری مستعمراتی، شکوه موجود در خانه های ویلایی قدیمی، کلیساهای سنگی، پل ها و کلبه های قشنگ و جالب آن نظری ببیند. در حال حاضر این شهر نظامی با ردیف یادگانهایش اتفاقاً ستاد فرماندهی مرکز هنگ مدراس (Madras) نیز است. دانشکده ستاد نیروهای دفاعی در نوع خود تنها دانشکده در کشور است - مؤسسه ایی بزرگ که نخبگان سه نیروی دفاعی را تربیت می کند.

می سازند. این باشگاه جیمخانه برای تسهیلات تفریح و سرگرمی شامل تنیس، بیلیارد، اسکواش، اسنوکر و غیره یکی از بهترین در کشور است. هم چنین سالن رقص زیبا و باری پر بار آماده دارد. چمن های موج در مجاورتش مایه نشاط گلف بازها هستند. اگر شما بتوانید موفق شوید، امتیاز ماندن برای یک روز یا بیشتر در آنجا را داشته باشید، در شب از میان پنجره های شیشه ای، ماه را تماشا کنید که از کوه ها بالا می رود و بر قله های ناهموار از میان ردیف های درختان اکالیپتوس سایه روشن می اندازد و این طور به نظر می رسد که درختان از خط قله عبور می کنند. ستاره ها در این ارتفاعات، با هوای رقیق پاک، به نظر می آیند که بسیار درخشان تر برق می زنند. صدای هوهوی گاه و بی گاه جغدها احتمالاً شما را به دنیای دیگری خواهد برد. آبشارها و جویبارهای زیادی در آنجا وجود دارد که در میان کوه های مه آلود و دره های سر سبز ولینگتون قلب قلب صدا می کنند. دریاچه های کوچک در میان دره های کم عمق متعدد به وفور وجود دارد که پیوسته با ریزش باران یک ساله پر می شوند. این دریاچه ها که زیبا، دورافتاده و در عین حال در دسترس هستند، نقاط تفریحی آماده ای را ایجاد می کنند. یکی از شگفتی های ولینگتون، دریاچه پیکارا (Pykara) گستره آبی رنگ عمیقی از آب در دره ای دور افتاده است که کوه ها آن را از سه جهت احاطه کرده اند. این مکان که در فاصله بیست کیلومتری در جاده ای که به میسور (Mysore) می رود واقع است، نسبتاً ناشناخته باقی مانده است و بنابراین تمیزی و خلوص آتش را حفظ کرده است. سوز و سرمای هوا در اینجا بی نظیر است. غازها و اردک های وحشی بالایی سر به پرواز در می آیند و ماهی در آب موج به وجود می آورند.

اکثر روزهای ولینگتون از مه پوشیده است. حرکت از میان مناظر تماشایی با مه که در اطراف کوه های نیلگیری می چرخد، انسان را به حال و هوای قصه پریان می برد- بیشتر مانند قدم زدن در میان ابرهاست. با این همه، هنگامی که مه فروکش می کند، فرش پر پستی از چمن سبز که جای جای آن گل های وحشی روئیده است با محشری از رنگ ها جلوه گر می شود. باغ های چای سبز زمردی در کوه های اطراف به چشمان شما خوش آمد می گویند. چایکاران قسم می خورند که این ارتفاعات که در حدود ۵۰۰۰ پایی هستند به چای نیلگیری طمع و عطر خاص خودش را می بخشند. یکی از بهترین راه ها برای کشف زیبایی های پنهان و جذابیت بکرش که جزء جدایی ناپذیر ولینگتون است، با پیاده روی بدست می آید. برای آنانی که از فضای سبز لذت می برند، پیاده روی از میان راه های بی شمار ناشناخته که از کنار جنگل های بکر و دره های ساکت می گذرند، لازم است. شما می توانید از راه تورهای ماهانه ای استفاده کنید که از زمین های جیمخانه ولینگتون (Wellington Gymkhana) آغاز می شود و به ارتفاعات کوه های مجاور منتهی می شود. سوارکاری تجربه با شکوه دیگری است که می تواند فرح بخش باشد. فرارسیدن ماه نوامبر وقت شکار مشهور اوتی است که مردان و زنان با لباس ها و جواهراتشان از میان جنگل ها در مسیر دوی صحرایی از ولینگتون به اوتی سوارکاری می کنند، در مسابقه دوره ای که نشان دهنده ی یکی از مهم ترین مشارکت های اجتماعی است. یا صرفاً از جنگلهای اطراف جیمخانه ولینگتون لذت ببرید که اتاق های گرم و وسیع با قاب های چوبی، شومینه و یادگاری های عتیقه شان، حال و هوای مستعمراتی را منعکس

خوشبختانه، شکار و ماهیگیری در اینجا اکیداً ممنوع است. بنابراین نعمت ها را برای آینده حفظ می کند. تازگی پیکارا (Pykara) به تدریج توریست ها را جذب کرده است که عمدتاً به دلیل تنوع ورزش های آبی موجود است. قایق های چرخ دار قابل اعتماد، در هر صورت، برای ماجراجویانی است که به افتادن اتفاقی در آبهای سرد دریاچه اهمیت نمی دهند.

کونور، که تنها ۵ کیلومتر از ولینگتون فاصله دارد، جایگاهی مطلوب برای هر دیداری فراهم می کند. آب و هوای پاکیزه اش در تمام سال، مورد علاقه انگلیسی های قدیم واقع شد و به این جهت شروع به توسعه آن به عنوان مقصدی توریستی در قرن نوزدهم کردند. این بیلاق کوهستانی کوچک بی سر و صدا در کوه های نیلگیری، در بالای دره تنگ هولیکال (Hulikal) در ارتفاع حدود ۶۰۰۰ پایی قرار دارد و برای محیط سر سبز، زندگی پرندگان گوناگون، کشتزارهای چای و فستیوال هایش معروف است. پارک سیم (Sim) که در دامنه و پایین دره کم عمق کوچکی قرار دارد، با چمن های خوب حفظ شده، باغچه هایی که با هنرمندی نگهداری می شوند و تنوع بوته ها و گیاهان گلدارش، به طور قابل توجهی جهانگردان را جلب می کند. باغ رز به خصوص ارزش دیدن را دارد. بلافاصله پس از نمایشگاه گل در اوتی، نمایشگاه میوه و سبزیجات کونور در این پارک برگزار می شود که هزاران بازدید کننده را جذب می کند.

ایستگاه تجربی میوه پروری علمی را که نزدیک به پارک سیم باغ نمونه دارد، فراموش نکنید. در اینجا سیب ها، گلابی ها، هلو، زردآلو، لیموها و انارها برای تحقیقات پرورش می یابند. صخره بره (Lamb's Rock) را که در حدود ۶ کیلومتری کونور علیا قرار دارد، کشف کنید که صخره مضرس و ناهموار رسوب کرده عمودی آن چند صد پا پایین می آید تا در جنگل های انبوه مدفون شود. دماغ دلفین (Dolphin's Nose) یک چینه بندی صخره ای منحصر به فرد دیگری است با تناسب های عظیم که از سطح دامنه تپه بیرون زده است. نشیمنگاه بانو کیننگ (Lady Canning's Seat) که به نام شارلوت کیننگ همسر نایب السلطنه نامیده شد، مکانی است که او دوست داشت در آنجا بنشیند و صحنه های کل اطراف را نقاشی کند. حداقل چیزی که می توان گفت این است که با آبشارهای با شکوه سنت کاترین در یک سو و جویبار کونور که با سرعت وارد جویبار کوتاگیری می شود در سوی دیگر، چشم اندازهای

اینجا با شکوه است. کونور هم چنین سفرهای تفریحی هیجان انگیزی برای مسافرانی فراهم می کند که مشتاق ماجراجویی مانند پیاده روی بر روی صخره شیب دار دروگ (Droog) یا پاکاسران کوتایی (Pakkasaran Kottai) واقع در ارتفاع ۶۰۰۰ پایی هستند که مشرف بر دشت های کونور و ولینگتون است و دارای بقایای قلعه ای قدیمی است که تیپو سلطان آن را در قرن شانزدهم ساخته بود. یک جوی شیب دار پر از سنگ که معتقدند راه فراری بود که قلعه را به تیروچیراپالی (Tiruchirapalli) وصل می کرد و بنا به گزارش برای پرت کردن زندانیانش از لبه پرتگاه مورد استفاده قرار می گرفت [؟]. راه دروگ (Droog) انسان را از میان مزارع خودروی لفل و چمن معطر با عطر لیمو، از کنار مزارع قارچ های وحشی و ارکیده های نادری که فراوان هستند، می برد.

مشتاقان ماهیگیری را قزل آلا، ماهی کپور و مهسیر (Mahseer) به سوی خود می کشاند که در دریاچه های مجاور فراوان هستند. یکی از عناصر اساسی در حفظ زیبایی رؤیایی کوه های ابی قطار ریل کم عرض راه آهن نیلگیری است که موقعیت میراث ملی دارد. قطار با پت پت کردن از میان مسیر ۴۳ کیلومتری اش بین میتوپالایام (Mttupalayam) واوتی از ولینگتون و کونور می گذرد که از شیب یک سوم بالا می رود. قطار کوچک با دنده دندانه دار بین ریل ها با زحمت بالا می رود که از سر خوردن لوکوموتیو به سمت پایین جلوگیری می کند. گرچه نگهداری این قطار پر هزینه است، مورد تقاضای فراوان توریستی است و با جایگزین کردن لوکوموتیوهای بخار با لوکوموتیوهای دیزلی به طور قابل توجهی جدید شده است. با این وجود واگن های رنگ شده آبی و کوچک به یک اندازه هستند و سوت لوکوموتیو در میان دهکده دوباره طنین انداز می شود که هنوز یاد آور همان حسرت گذشته است. چون قطار من سرعت گرفت، به نظر می رسید که ابرها از هم جدا می شوند و من را از روزهای مه آلود و شب های مهتابی ولینگتون دور می برند. قدم زدن من در ابرها به انتها رسیده بود- خاطره ای ارزشمند که برای همیشه زنده خواهد ماند.

♦ نویسنده سفرنامه نویسنده مقیم لندن است.

● منبع: مجله انگلیسی India Perspective، ماه مه ۲۰۰۴م.

فراخوان سلسله کوه های هیمالیا



رشته کوه های آرام و ساکت در شمال کشور، برای راه نوردان با تجربه یا مبتدی فرصت هایی عالی فراهم می کند. مندیپ سینگ سوئین (Mandip Singh Soin) یک عاشق قله ها و راه نورد خبره معتقد است که انسان می تواند با شروع راه نوردی کوچک آغاز کند.

جرج مالوری (George Mallory) هنگامی که از او پرسیده شد که چرا او می خواهد کوه اورست را در سال ۱۹۲۴ میلادی صعود کند، گفت: "... زیرا آن در آنجاست." این چهار کلمه، مشهورترین کلمه ها تا به حال در تاریخ کوهنوردی گشت. هیمالیا، مرتفع ترین کوه دنیا با ارتفاع حدود ۲۹۰۰۰ پایی در سلسله کوه های اورست واقع است که زمین بسیار سخت و دشواری دارد به طوری که کوهنوردان، صعود کنندگان و راه نوردان را به هیجان در می آورد. این ناحیه که در میان کوه ها بلندترین است، فرهنگی کاملاً منحصر به فرد یا گاهی اوقات بسیار دور دارد به طوری که انسان باور می کند آنها باید اولین کسانی باشند که به آنجا همراه با گیاهان و جانوران زیبایش سفر کرده اند، همه آنها با هم جمع می شوند تا هیمالیا را پر از شکوه و اعجاز

کنند. و چه کسی نمی خواهد تا در چنین جایی سیاحت کند؟

تنوع زمین که در رشته کوه های هیمالیا وجود دارد فرصتی برای همگان فراهم می آورد تا تلاش کنند و راه نوردی و کوه نوردی کمی جدی را تجربه نمایند. راه نوردی در حقیقت احتیاج به آموزش حرفه ای ندارد و بنابراین مستلزم کوه نوردی سبک و دانش فنی کم است و مانند سفرهای کوه نوردی می تواند روزهای بسیاری طول بکشد. انسان می تواند "راه های کوچک" یا راه های مبتدیان در هیمالیای پایینی یا راه هایی در کوه هایی بالاتر را انتخاب کند.

رشته کوه های هیمالیا به طور ساده به دو ناحیه تقسیم شده است. هیمالیای غربی و هیمالیای شرقی. رشته کوه ها در ایالت های جامو و کشمیر، همچال پرادش و اوتراکهند (Uttarakhand) به رشته کوه غربی تعلق دارند در حالی که آنهایی که در سیکیم (Sikkim) و اروناچل (Arunachal) پرادش هستند در رشته کوه شرقی قرار دارند. چشم اندازهای منحصر به فرد لداخ و زنسکار (Zaskar) و دره های ریبای کشمیر در ایالت جامو و کشمیر یکی از جذاب ترین مقاصد برای راه نوردان باقی می ماند. راه های متعددی در ناحیه دره لداخ-زنسکار وجود دارد که مبتدیان می توانند در پیش گیرند و مسیرهای سخت تری هم وجود دارد که اغلب صعود کنندگان به آن مبادرت می کنند.

مسیر رودخانه یخی در دره زنسکار در زمستان ها بسیار معروف است به طوری که راه نوردان را از مسیری از



میان رودخانه ی یخی زنسکار می برد. این یکی از دشوارترین و هیجان انگیزترین تجربه هاست. یکی از راه های سفر از میان کوه ها گرفتن تور جیپ از منالی (Manali) تا له (Leh) است که به اقلیم پذیری کمک می کند و راه نورد را آماده می کند تا با ارتفاع و آب و هوای متغیر بهتر کنار بیاید. ناحیه ای که راه نوردان آن را بسیار ترجیح می دهند بخش کیشتاوار (Kishtawar) و پهلاگام (Phalagam) در دره کشمیر است. اما در حال حاضر برای راه نوردی مساعد نیست. مسیر دره مارکها (Markha) یکی از معروفترین راه هایی است که راه مدور ده روزه ای است که از له آغاز می شود و در له به پایان می رسد. هم چنین راه های کوتاهی به مدت دو یا سه روز وجود دارد که کمتر طاقت فرساست. دره کشمیر به دلیل افزایش ارتباط هوایی از راه دهلی بیشتر در دسترس است. ابتکارات عمل گوناگون برای گردشگری بوم دوستانه در ناحیه برای حفظ و حمایت توسط صندوق جهانی حیات وحش، سازمان حفاظت از پلنگ برقی و سازمان جهانگردی دولتی وجود دارد.

یکی از دلایل اصلی که سیاحت هیمالیا را نقطه اوج تجربه می سازد به سادگی تنوع زمین است که راه نوردان در طول راه کوتاه، طولانی، ساده وسخت می توانند تجربه کنند.

هر راهی کلی تنوع دارد: کوه های پایینی گذرهای بالایی، راه های مستقیم، گذرهای بسیار مرتفع - که عملاً هر چیزی را ارئه می دهد که یک راه نورد را به مبارزه دعوت می کند.

در میان دیگر رشته کوه های غربی در هیمالچال پرادش، دره کولو (Kullu)، کینور (Kinnaur) و اسپیتی

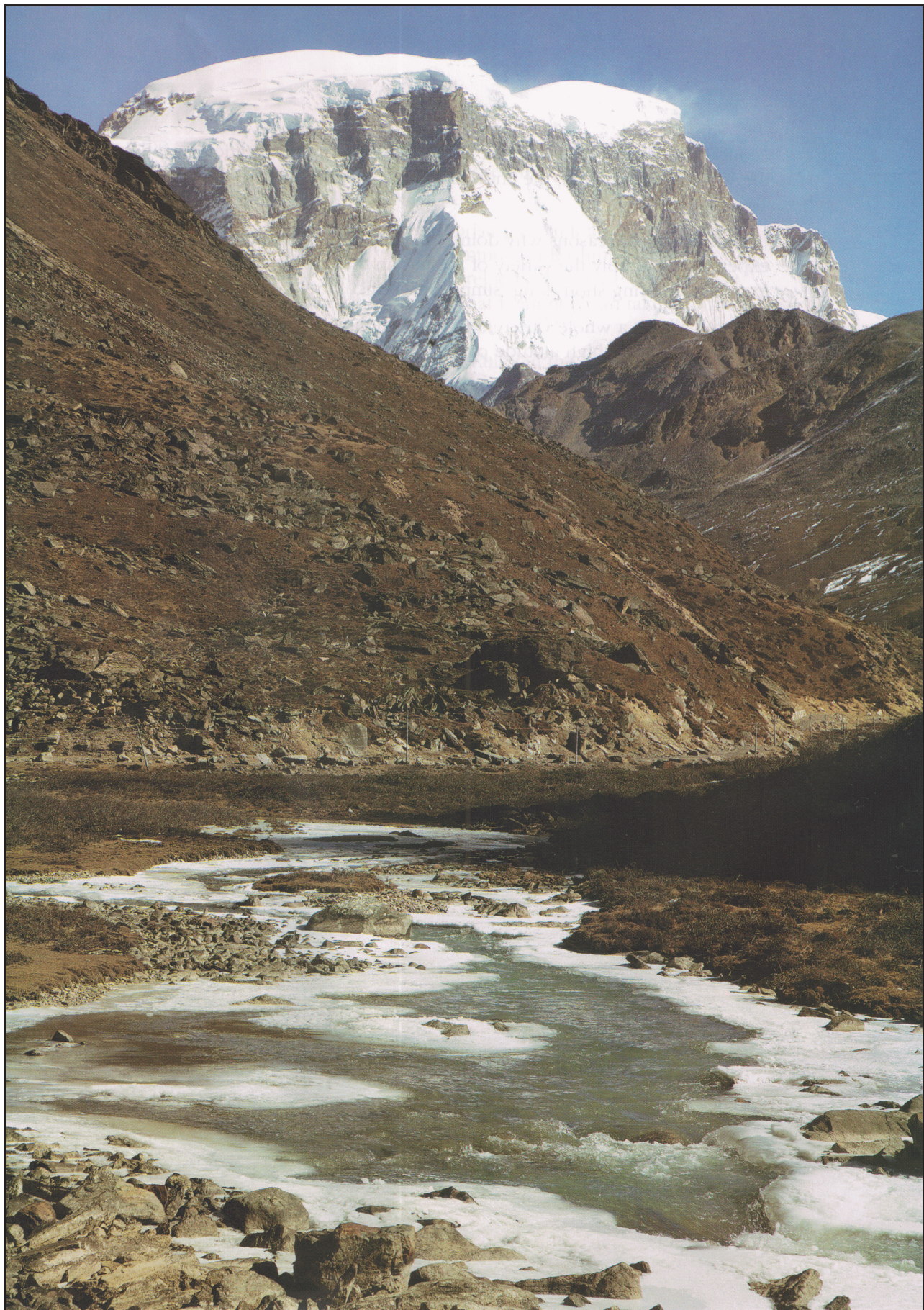


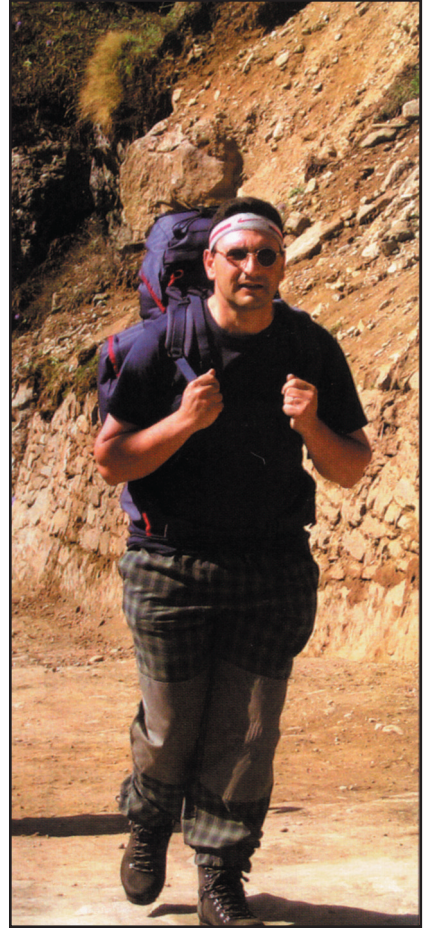
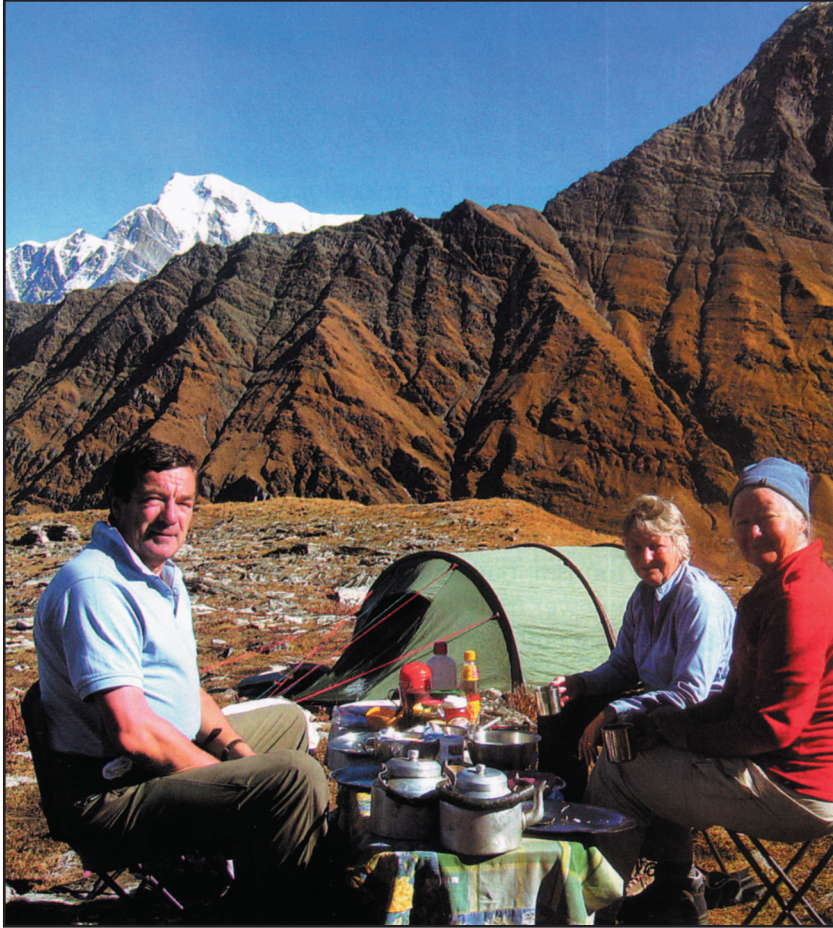


(Spiti) و لاهول (Lahaul) هستند. این نواحی انبوه جنگل های کوهستانی، زمین ناهموار، گذرهای مرتفع با مسیرهایی به سمت دریاچه چندراتال (Chandratal)، بخش بین پاروتی (Pin Parvati) و کینر کایلاش (Kinner Kailash) را عرضه می کنند. برنامه اقامت خانگی که مردم محلی را در بر می گیرد به خوبی اجرا می شود و برای هر کسی که علاقه مند به دیدار منطقه است، عاملی تشویق کننده است. اوتراکهند که دارای بیشترین تعداد قله های آزاد در سلسله کوه های هیمالیا (آنهایی که در هیچ پارک ملی یا گروه های مشابه قرار ندارند) بوده، دره گره وال (Garhwal) را دارد که قله های کم ارتفاع، ناحیه جنگلی انبوه سرسبز و پر از گل دارد. این زمین، برای راه نوردان با وجود مسیرهایی به سمت قله استوپانت (Stopanth) و تریشول (Trishul) که بسیار معروف هستند، جاذبه بسیار زیاد دارد.

ناحیه اطراف رانی کهیت (Ranikhet) و مونسیاری (Munsiyari) برای وجود راه های راه نوردی به اضافه راه معروف دیگری به سمت دهانه رود گنگ معروف هستند.

کوه میرو (Meru) [طبق افسانه ی هندو، کوه میرو مرکز جهان در نظر گرفته می شود] و شیولینگ (Shivling) در حدود ۱۰ تا ۱۲ سفر تحقیقاتی در سال را به سوی خود جذب می کند. ناحیه کومالون (Kumaon)، مسیره های کوه نندا دیوی (Nanda Devi) معروف و رشته کوه پانچولی (Pancholi) را دارد. مسیره های معروف، مسیر لرد کورزون (Lord Curzon)، مسیر شیتون تیلمن (Shiton Tillman) و دیگر مسیره ها شما را از کوه های







پایینی به کوه های بالایی می برد و منظره بهت آور مرتفع ترین سلسله کوه ها را نشان می دهد. دولت مرکزی برای بهبودی و ساختن زیربنای اساسی تلاش می کند. مرحله کسب مجوز را با کوتاه کردن حصول آن از سه ماه به حدود سه هفته آسانتر کرده است.

تلاش ها برای ایجاد گردشگری بوم شناختی، ساختن زیربنا، حمایت از جنگلها، گشایش راه های جدیدتر از ابتکارات جدید برای ایالت است. مسوول گردشگری ایالتی، گردشگری را به عنوان مرکز توجه تازه اعلام کرده است و برای آن تلاش می کند.

ارائه احساس انزوا و دورافتادگی و قدم زدن در میان جنگل های انبو بارانی از ویژگی های مسیرهای راه نوردی سیکیم و اروناچل پرادش در شمال شرقی کشور هستند. شهر ورود به سلسله کوه های شرقی، کلکته در بنگال غربی است. سیکیم مسحور کننده است و برای مسیر گوئچالا (Goehala) که راه نوردان را به خیلی نزدیک به مرتفع ترین کوه دنیا، کانچن جونگا (Kanchenjunga) می برد، معروف است. اروناچل پرادش مسیرهای کوتاهی از میان جنگل های انبو بارانی اش با تنوع گیاهان و جانوران ارائه می دهد. جنگل ها هم چنین قبایلی دارند که اکنون استقبال از راه نوردان را آغاز کرده اند.

انسان برای به عهده گرفتن مسیرها نیاز به صرف زمان دارد. این کاری سریع نیست. راه نورد برای درک و لذت بردن از تجربه، نیاز دارد تا وقت صرف کند و مهم تر اینکه مناطق را به صورت سازمان یافته و منظم کاوش



کند. با افزایش مداوم در تعداد راه نوردانی که به هند می آیند، وزارت گردشگری، سازمان های گردشگری ایالتی، گردانندگان تور در بخش سازمان یافته و بخش غیر سازمان یافته شروع به همکاری کرده اند تا دسترسی آسان به این نواحی را با بالاترین استانداردهای خدماتی تأمین کنند. از آنجا که این نواحی از لحاظ بوم شناسی، حساس هستند، ضروری است تا توصیه های حفاظتی را دنبال کنند و به بهترین وجه عمل کنند.

◆ نویسنده: کوه نورد، جهانگرد، کارشناس امر گردشگری و گردشگری بوم شناختی است و جایزه نس (Ness) را از انجمن سلطنتی جغرافیایی بریتانیا برای کوهنوردی و سفرهای تحقیقاتی به قطب و حمایت از جهانگردی جوانان دریافت کرده است.

● منبع: مجله انگلیسی India Perspectives، آوریل تا ژوئن، ۲۰۰۹م.

برنامه فارسی رادیو دهلی

برنامه صبح از ساعت هشت و نیم تا نه به وقت تهران، روی امواج کوتاه ۱۹ متر برابر با ردیف های ۱۱۷۳، ۱۵۷۷۰ و ۱۷۸۴۵ کیلوهرتز

- ۸/۳۰ آغاز برنامه
- ۸/۳۱ یک آهنگ هندی / تلاوت قرآن مجید (روزهای جمعه)
- ۸/۳۵ اخبار هند و جهان
- ۸/۴۵ برنامه ترانه های فیلم هندی / برنامه روحانی (پنج شنبه ها)
- ۹/۰۰ برنامه ترانه غیر فیلمی (جمعه ها) / برنامه ترانه های قدیم (شنبه ها)

برنامه شب از ساعت ۲۰/۴۵ تا ساعت ۲۳/۰۰ به وقت تهران روی امواج کوتاه ۳۰ و ۴۱ متر برابر با ۷۱۱۵، ۹۹۰۵ و ۱۱۵۸۵ کیلوهرتز

- ۲۰/۴۵ آغاز برنامه
- ۲۰/۴۶ آهنگ هندی / تلاوت قرآن مجید (جمعه شب ها)
- ۲۰/۵۰ اخبار هند و جهان
- ۲۱/۰۰ ترانه فیلم هندی
- ۲۱/۰۵ تفسیر روز
- ۲۱/۱۰ موسیقی اصیل هندی
- ۲۱/۱۵ بررسی جراید هند
- ۲۱/۲۰ گفتار (یک شنبه و سه شنبه) / برنامه ادبی (دوشنبه ها) / گل های رنگارنگ (چهارشنبه شب ها) / برنامه قوالی (پنج شنبه شب ها) / برنامه سرودهای محلی (جمعه شب ها) / جهان سینما (شنبه شب ها) / بررسی فیلم ها - برنامه راجع به یک شخصیت فیلم هندی
- ۲۱/۳۰ برنامه قوالی و برنامه نوای هند (یکشنبه شب ها) / برنامه ترانه های یک فیلم هندی (سه شنبه شب ها) - ترانه یک هنرمند (شنبه شب ها)
- ۲۱/۴۰ برنامه غزل (پنج شنبه شب ها)
- ۲۱/۵۵ برگزیده اخبار
- ۲۳/۰۰ پایان برنامه

اگر مایل باشید مکاتبه کنید می توانید نامه های خود را به یکی از دو نشانی زیر ارسال دارید :
رئیس بخش فارسی رادیو دهلی
توسط سفارت هند - تهران، خیابان میرعماد، شماره ۴۶

Incharge

Persian Unit, External Services Division, All India Radio, Room No. 515, New B' Casting House,
Sansad Marg, New Delhi - 110001 India

اطلاعیه

بدین وسیله به اطلاع می رسد که رادیو و تلویزیون سراسری هند برنامه اخبار خود را به صورت آنلاین آغاز کرده اند.
وب سایت ها از قرار زیر است :

<http://www.newsonair.nic.in>

<http://www.newsonair.com>

ویژگی خاص این وب سایت ماهیت چند زبانه آن است. بازدید کنندگان می توانند نه تنها برنامه های خبری را به زبان های انگلیسی و هندی بلکه به شانزده زبان منطقه ای از جمله پنجابی را نیز گوش دهند. به غیر از اخبار فرمت شنیداری مزیت استفاده از صورت ساده و استاندارد زبانهای مربوط را دارد که می تواند برای نوآموزان و مشتاقان زبان سرمشق باشد.
امیدواریم که این وب سایت ها برای دوستانان هند و کسانی که زبانهای هند را می آموزند مورد علاقه فراوان خواهد بود.

Āina-i-Hind

A Bimonthly Publication of Press and Cultural Section of Indian Embassy (Tehran)

No. 31, December 2009

